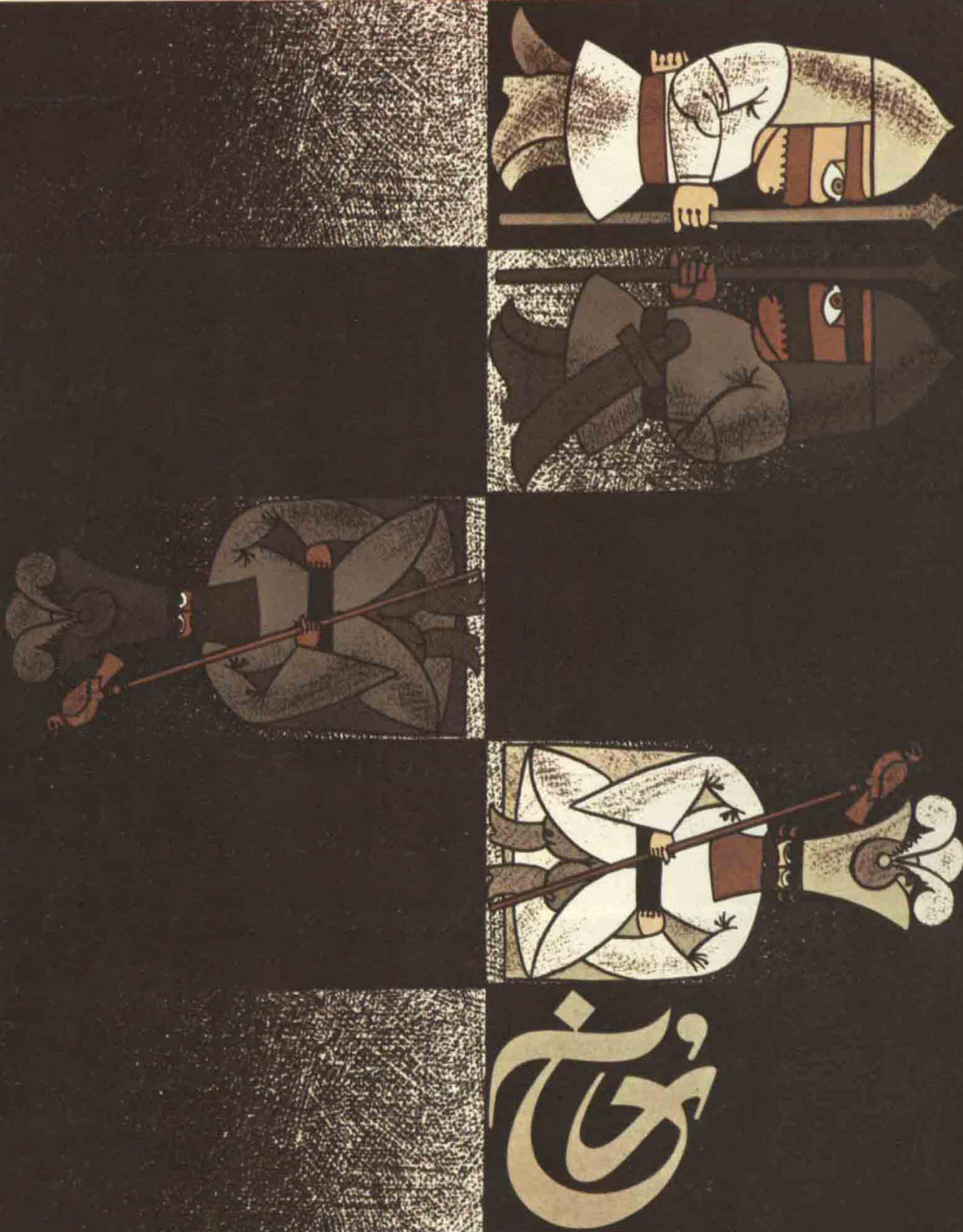


# کانون

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
اخبار داخلی - شماره ۱۰ (دوره هشتم)  
دی ماه ۱۳۵۴



The  
Rook

کارگردان: علی اکبر صادقی

DIRECTOR:

Ali Akbar Sadeghi

تهیه شده در:

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

A PRODUCTION OF:

THE INSTITUTE FOR THE INTELLECTUAL DEVELOPMENT OF CHILDREN AND YOUNG ADULTS





## خبرها...

دیدار از کانون



صبح روز چهارشنبه هفدهم دیماه آقای آلن پرفیت دیپلمات، سیاستمدار و نویسنده فرانسوی باتفاق بانو پرفیت ضمن بازدید از فعالیتهای کانون باسرکار خانم امیرارجمند مدیر عامل کانون ملاقات کردند.

در این ملاقات مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان ایرانی مورد گفتگو قرار گرفت، آقای آلن پرفیت در گذشته شاغل پستهای حساسی در کشور فرانسه بوده است، که عبارتند از:

نماینده مجلس ملی فرانسه در سال ۱۹۶۶

نماینده فرانسه در پارلمان اروپائی و مجمع عمومی

سازمان ملل متحد ۱۹۶۶-۱۹۶۲

وزیر اطلاعات

شهردار پرون

وزیر پژوهشهای علمی اتمی فرانسه

وزیر فرهنگ

رئیس کمیسیون آموزش فرهنگ و امور اجتماعی

نماینده فرانسه در مجمع سازمان ملل متحد ۱۹۶۹

دبیر کل حزب گلیستها ۱۹۷۳-۱۹۷۲

وزیر اصلاحات اداری

وزیر هنر و محیط زیست

و در حال حاضر نامبرده نماینده مجلس ملی فرانسه

میباشد.

بازدید مهمانان اردنی از کانون



سه تن از اعضاء انجمن علمی سلطنتی اردن هاشمی آقایان احمد بشایره، جمال البدور، هشام الجندی بدعوت کانون از ۲۳ آذر ماه تا ۶ دی ماه به تهران آمدند. نامبردگان باسرکار خانم امیر ارجمند ومسئولان کانون مذاکره کردند و از قسمتهای فرهنگی کانون بازدید نمودند.

مهمانان اردنی به استانهای خوزستان، فارس، نیز سفر کردند و از تریک باکتابخانههای کانون و کوششهای اعضاء آشنا شدند.

در سفر مهمانان برنامههایی نیز جهت دیدار از موزه نگارستان، موزه ایران باستان، موزه شهید، کارخانه ایران ناسیونال، تلویزیون آموزشی و آثار تاریخی اصفهان و شیراز نیز فراهم شده بود.

**فیلمهای ایرانی رخ و انتظار در صدر فستیوال ویرجین آیلند.**

دو فیلم ایرانی رخ و انتظار ساخته شده در مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در فستیوال بین المللی فیلم ویرجین آیلند ایالات متحده آمریکا شرکت کرده بودند در میان ۲۰۰۰ فیلم شرکت کننده از ۳۸ کشور جهان و ۱۰۰ فیلم کوتاه موفق به اخذ جوایز زیر شدند:

فیلم رخ ساخته علی اکبر صادقی برنده پلاک طلا.



فیلم انتظار بکارگردانی امیر نادری برنده پلاک طلای ژوری.

این دو فیلم قبلاً نیز در فستیوال‌های بین‌المللی دیگر نیز شرکت کرده است.

— فیلم رخ قبلاً دیپلم افتخار نهمین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در تهران، دیپلم افتخار و پلاک برتر فستیوال کراکوی لهستان، پلاک نقره جشنواره بین‌المللی شیکاگو را برده است و فیلم منتخب برای شرکت در فستیوال فستیوال‌های لندن شد.

— فیلم انتظار ساخته امیر نادری نیز قبلاً در فستیوال کان برنده جایزه بزرگ هیأت داوران این جشنواره مهم بین‌المللی شده بود.

### موفقیت نوجوانان ایرانی

دره‌مین فستیوال بین‌المللی تل‌آویو که در دیماه سال ۱۳۵۴ با شرکت ۳۵ فیلم از ۱۲ کشور جهان برگزار گردید سه فیلم ایرانی ساخته شده توسط اعضاء کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در فستیوال مزبور برنده جوایز زیر شدند.

جایزه نخست گروه ب: برای سنین کمتر از ۲۰ سال سوپر هشت میلیمتری به دو فیلم ایرانی «باخوشتن نشستن، در خویشتن شکستن» ساخته شیرین جزایری برای تحلیل این واقعیت که تنهایی و اتزوا به نابودی انسان منتهی می‌گردد. و «آینه» به کارگردانی مهدی خرم‌خانی برای بازسازی ارزشهای معنوی و جهان‌بینی متفاوت انسانها.

جایزه دوم، برای فریبا شهین مقدم، برای فیلم «کالسکه» که در توجیه احساسات درونی یک زن موفق بود. سه فیلمساز نوجوان ایرانی یاد شده از کارآموزان مرکز آموزش فیلمسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان میباشند.

در این جشنواره که به فستیوال «ماس» MUSE معروف است علاوه بر سه فیلم ایرانی مزبور فیلم‌های «پنج‌پنج» از فرانسه و «حماسه زوماتی ولواتی» از اسرائیل نیز توجه منتقدان را بخود جلب کردند.

### برندگان نوجوان

در نمایشگاه بین‌المللی نقاشی کودکان که از ژوئن تا اکتبر سال ۱۹۷۵ در لیدسهی چکسلواکی برگزار شد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با آثاری از نقاشی‌های کودکان عضو کتابخانه‌ها شرکت کرد که از میان آثار ارسال شده دیپلم افتخار به نقاشی‌های وجیهه سعادت‌مندی ۱۳ ساله — زیبازادسر ۱۴ ساله — کیمیا ضیاء ۱۳ ساله — ناصر بهشت‌تژاد ۱۲ ساله — جواد اکبری ۱۳ ساله و محمد رضائی ۱۰ ساله توسط هیأت داوران مسابقه اعطاء گردید.

### افتخاری دیگر برای اعضاء کتابخانه‌ها

در مسابقه‌ی جهانی نقاشی کودکان که در شانکار

دهلی‌نو برگزار شد پنج اثر از کارهای نقاشی کودکان عضو کتابخانه‌های کانون برنده جوایزی شدند که از آن میان جایزه‌ی مدال نقره‌ای است که به آقای حسن رزمجو پاترده ساله تعلق گرفته است.

دیگر برندگان جوایز این مسابقه‌ی جهانی عبارتند از:  
فاطمه‌ی قربانی شکوه ۱۰ ساله  
رضا اکبری ۱۳ ساله  
جواد اکبری ۱۳ ساله  
امیر منصور کبیربانی ۱۳ ساله

### آنها زنده‌اند....

نوشته‌ی غلامرضا امامی

نقش از علی‌اکبر صادقی

سازمان انتشارات کانون

این کتاب که در مجموعه‌ی فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود، زندگینامه‌ی زینب (ع) قهرمان دلاور تاریخ اسلام است.

پیش از اسلام، در شبه‌جزیره‌ی عرب — و بسی سرزمین‌های دیگر — در زندگی اجتماعی، به زن ارجی نمی‌گذاشتند؛ هرچند زنان — بخصوص زنان مردم تهی‌دست — از مردان زحمت‌کش‌تر بودند و در واقع بار زندگی را، هم آنان بدوش می‌کشیدند.

اسلام، ارزش واقعی مقام زن را به‌او بازگرداند؛ و زمینه‌ای مساعد فراهم آورد تا زنان، چهره‌ی بزرگ و زیبای انسانی خود را باز نمایند.

زنان قهرمان، در جهان اسلام، اندک نبوده‌اند با اینهمه نام زینب، برقله‌ی افتخار دلیرهای انسانی درخشان است.

اینکه می‌گویند: اگر دلیری‌های زینب نبود، بسا که شهادت برادر دلیرش «حسین (ع)» و یاران او؛ کم اثر می‌ماند (هرچند «اگر، و مگر» در تاریخ، پنداری است) ارج و مرتبت دلیری‌های این بانوی بزرگ را می‌نمایاند. خطبه‌ی زینب، براستی ارکان خلافت ستمگرانه‌ی اموی را به‌لرزه درآورد.

زندگینامه‌ی زینب — که بازبانی ساده و جذاب — نوشته شده، مستند به اسناد معتبر تاریخی است به‌دور از هر تعصبی. کتاب داستان‌گونه از کودکی زینب آغاز می‌شود و خواننده فرازو نشیب‌های زندگی این بانوی بزرگ را می‌نگرد.

هدف انتشارات کانون شناساندن چهره‌های زنان بزرگ اسلام، در مجموعه‌ی فرهنگ اسلامی است؛ بخصوص که سهم ایرانیان در تاریخ جهان اسلام، بسیار بااهمیت و ارجمند است.

امسال، سال جهانی زن نام گرفته است و نشر این کتاب، مناسبتی با این سال هم دارد.



آغاز بکار کردند. در حال حاضر در شهرها و بخشهای کرمان، رفسنجان، سیرجان، ماهان، بافت، جیرفت، بم، انار، بردسیر زرنند راور، کوهناب، رابر راین، گلپاف، شهر بابک، جوپار و چترود کتابخانه دایر شده و در شهادت نیز کار برپایی کتابخانه رو باتمام است.

جای دارد از کوششهای مقامات استانداری کرمان، فرمانداریها، بخشدارها و شهرداریهای این استان، سرپرست و کارکنان منطقه کرمان، و قسمتهایی از کانون چون امور خدمات مهندسی که در برپایی این کتابخانهها در زمانی کوتاه یاری دادهاند به نیکی یاد شود.



کتابدار کتابخانه چترود به پرسشهای استاندار کرمان پاسخ می‌دهند

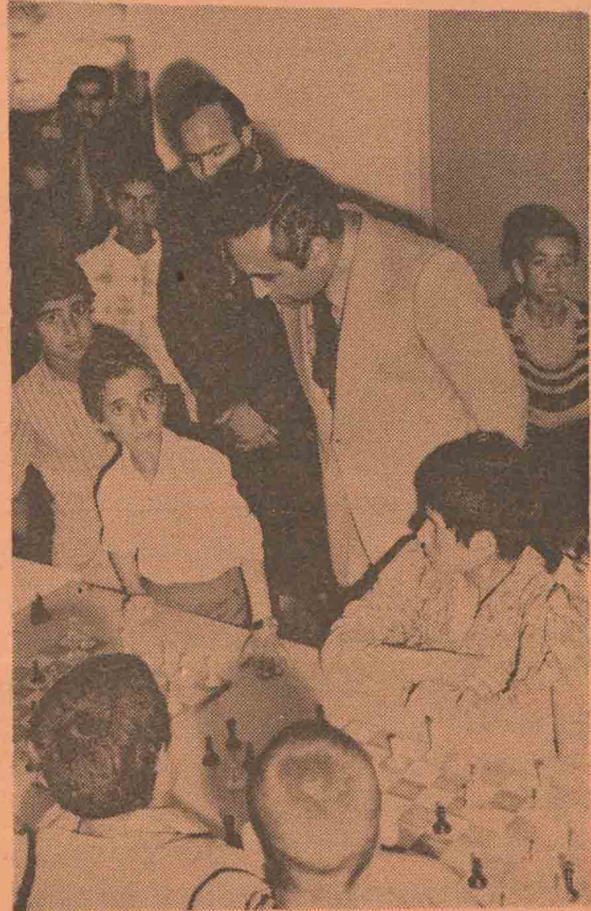


استاندار کرمان پس از افتتاح کتابخانه راور



مراسم افتتاح کتابخانه جوپار

روز دوازدهم آبانماه کتابخانه کودک جوپار در استان کرمان توسط آقای دکتر اسدالله نصر اصفهانی استاندار کرمان گشایش یافت. این کتابخانه براساس نقشههای اجرایی که از جانب کانون ارسال شده با هزینهای بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار ریال از طرف استانداری ساخته شده و پس از آن کانون با صرف یک میلیون و دویست هزار ریال به تجهیز و تکمیل آن پرداخته است. در کتابخانه ۶۲۷۷ جلد کتاب موجود است که تاکنون ۲۸۵ نفر کودک و نوجوان به عضویت آن درآمدهاند. بلافاصله پس از گشایش کتابخانه جوپار، کتابخانه دیگری در چترود کرمان توسط



آقای دکتر نصر اصفهانی هنگام بازدید از کتابخانه شهر بابک با اعضا گفتگو میکنند

آقای استاندار افتتاح شد. این کتابخانه نیز مشابه کتابخانه قبلی است.

در پنج ماه اخیر با گشایش کتابخانه چترود تعداد کتابخانههای استان کرمان به ۲۸ عدد رسیده است. نخستین کتابخانه در سال ۱۳۵۰ در شهر کرمان ایجاد شد و پس از آن متعاقب تشریف‌فرمایی علیاحضرت شهبانوی ایران ظرف سه سال در کلیه شهرها و شهرکهای کرمان کتابخانه کودک ایجاد گردید. و تعدادی از این کتابخانهها در سال ۱۳۵۴



## حرفی درباره‌ی موسیقی ملی

نمی‌کرده است. شاید او هم قوهٔ تخیلش خشک شده بوده، و بهمین خاطر، برای موضوع نمایشنامه‌هایش، از آثار قرن دوم و سوم و دهم استفاده می‌کرده. - مولیر هم کمتر از شکسپیر نبوده. او، نه تنها برای موضوع نمایشنامه‌های خود از آثار قدیم استفاده می‌کرده، بلکه تمام داستان را گاهی اوقات عیناً بزبان خود درمی‌آورده و باز می‌گفته است. از نویسندگان گذشته، میدانیم که یکی از اوراتوربوهایی هاندل عیناً رونوشتی است از اثر سترادلا اما رونوشت هاندل، چون از خود اصل زیباتر است، باعث می‌شود که ما نام سترادلا را فراموش کنیم.

آیا در این مورد ما میتوانیم از دزدی هنری و ناتوانی در کار خلاقه سخن بگوئیم؟ هرگز! در مورد شکسپیر هم که از تراژدی‌های مارلو استفاده کرده، و همچنین در مورد مولیر که موضوع نمایشنامه‌اش را از یک داستان اسپانیولی گرفته، و یا در مورد استراوینسکی که تم‌های خیلی از آثارش را از دیگران گرفته، نمیتوانیم حرف از دزدی و ناتوانی در کار خلاق بزنیم.

استفاده از آهنگ در موسیقی، مانند استفاده از موضوع، در ادبیات است. اما چه در هنر موسیقی و چه در ادبیات یا نقاشی اصل یک موضوع، اینقدرها مهم نیست، بلکه چگونگی گسترش و شرح این موضوع است که اهمیت واقعی دارد و در همین «چگونگی» است که ما میتوانیم قدرت بیان و شخصیت هنرمند را بسنجیم.

\*\*\*

از طرف دیگر، بعضی‌ها فکر میکنند وقتی آهنگهای محلی را خوب شناختند و آنها را تنظیم کردند واقعاً «هنر ملی» را بوجود آورده‌اند. - این نظریه بهمان سستی نظریه دشمنان آهنگهای محلی است. یعنی باز به آهنگ اهمیت زیاده از حدی داده شده است.

کار خلاق، تنظیم کردن این آهنگها در یک «قالب مناسب» است. برای ما، آهنگ محلی موقعی اهمیت دارد که یک آهنگساز با استعداد، با در نظر گرفتن همهٔ شرایط، و با درک واقعی، آنرا در قالب مناسبی تنظیم کند.

وقتی موسیقی محلی بدست آهنگسازان نالایق میافتد، کوچک‌ترین ارزش و معنائی ندارد... منظورم اینست که نه موسیقی محلی و نه هیچ وسیلهٔ دیگری نمیتواند جای یک «مغر خلاق» را پر کند... این کار، همیشه نتیجه‌اش پوچ خواهد بود!

بعضی‌ها تصور میکنند که تنظیم یا آرمونیزه کردن آهنگهای محلی کاریست نسبتاً آسان، چون آهنگساز از تم‌هاییکه موجود است استفاده میکند و دیگر احتیاجی به ساختن تم تازه ندارد، و در نتیجه کار خلاق نمی‌کند. این نظریه، کاملاً غلط است.

تنظیم آهنگهای محلی کاریست بس دشوار. میتوانم بگویم که زحمت آن باندازه ساختن یک اثر بزرگ، و شاید هم بیشتر از آن باشد چون این آهنگها به آهنگساز تحمیل میشود، و در اینصورت تکالیف و قیودی در برابر او می‌گذارد که نمیتواند شانه از آن خالی کند.

بخاطر همین اشکالات است که بعضی‌ها با بکار بردن تم‌های آهنگهای محلی، سخت مخالفند اکنون باید دید آهنگسازان معاصر می‌توانند موسیقی محلی را به سبک آتونال یا بهتر بگویم بسبک موسیقی دودکانونیک (دوازده صدائی تنظیم کنند یا نه)؟

باید بیدرنگ بگوئیم که اینکار امکان پذیر است. - چرا؟ - برای اینکه همه آهنگهای محلی تونال است. یک آهنگ محلی غیر تونال، چیز غیر قابل تصویری است. منظورم این نیست که راه نجات موسیقی معاصر، در بکار بردن آهنگهای محلی است، بلکه می‌خواهم بگویم مخالفت با آهنگهای محلی نیز، در عصر ما، اشتباه بزرگی است.

یکی از همین مخالفان مینویسد:

«اگر بسیاری از آهنگسازان، در دنیا، به دنبال آهنگهای محلی هستند واز آنها استفاده میکنند، دلیلش آنست که میخواهند کار خود را آسان کنند باید گفت که ناتوانی‌شان در کار آفریننده، جانشین پیشرفت حقیقی شده است!»

اینها خیال میکنند که مثلاً فلان آهنگسازی که به آهنگهای محلی علاقمند است، روزی پشت میز می‌نشیند، و بقصد آنکه آهنگی بسازد، بمغزش فشار می‌آورد، اما هیچ آهنگی، حتی یک آهنگ کوچک بی‌معنی هم پیدا نمیکند. و آنوقت چه میکنند؟ از آهنگهایی که جمع‌آوری کرده یک یا چند تم بر میدارد و باین وسیله در کمترین مدت و بی‌کوچکترین زحمتی سمفونی‌اش را میسازد!

قبول چنین چیزی و باین اندازه اهمیت دادن به یک آهنگ ساده اشتباهی است بسیار بزرگ اینها فراموش میکنند که مثلاً شکسپیر، هرگز موضوع نمایشنامه‌هایش را اختراع



# کتابخانه‌های تهران

## کتابخانه شماره ۵:

برای همه کسانی که فیلم «پسر شرقی» مسعود کیمیایی را در جریان دهمین فستیوال فیلمهای کودکان و نوجوانان دیده‌اند بازی خوب «کیومرث نوری» به نقش هنرپیشه اول این فیلم گبرائی خاصی داشت. این دانش‌آموز ۱۵ ساله از ۹ سال پیش عضو کتابخانه شماره ۵ کوی نهم آبان است.

در کتابخانه همیشه شلوغ و کوچک نهم آبان با نوری به گفتگو نشستیم. از او خواستیم از ماجراهائی که در جریان فیلمبرداری داشته بگوید. ابتدا کمی گیج میشود و لحظه‌ای بعد میخواهد گفتگو بصورت سؤال و جواب باشد.

برای نوری بازی در فیلم جالب و خوشایند بود. او بخاطر بازی در فیلم پسرک شرقی ۱۵۰۰۰ ریال دستمزد گرفت. نوری در پاسخ این سؤال که چه پسر پولهایش آورده میگویی هفتصد تومانش را صرف نقاشی ورنگرزی خانه‌مان کردم و با تنمه‌اش لباس و وسایل تحصیل و هدیه برای خویشان خریدم.

میبرسم در این ۹ سالی که عضو کتابخانه بودی چندتا کتاب خواندی میگویی خیلی، سؤال شد چه کتابهائی را بیشتر دوست دارد میگویی کتابهای تاریخی، افسانه و قصه.



کیومرث نوری همراه دیگر بازیکنان فیلم پسر شرقی

از نوری شرح کاملی همراه عکس در نشریه کتابخانه آمده که نظر مراجعان کتابخانه را به خود جلب میکند. نوری میگویی از وقتی که به واقعیت‌های پشت‌پرده سینما پی برده‌ام سینما برایم ارزش دیگری پیدا کرده تاچندی پیش از عشاق سینه‌چاک فیلمهای کاراته‌ای بودم اما حالا ترجیح میدهم فیلمهای واقعی‌تر را ببینم. کیومرث نوری دانش‌آموز کلاس سوم راهنمایی مدرسه محمدرضا شاه کوی نهم آبان است. علاوه بر نوری اعضای دیگری از نازی‌آباد و کوی نهم آبان در فیلم پسر شرقی بازی داشتند که اسامی آنها عبارت است از: جمشید حبیبی، صفر نجفی‌پور، محمد محمودزاده، سعید مولائی، حسن بیگ‌زاده و عظیم اغرازی.

## کتابخانه شماره ۲۰:

فرصتی است که با برگزیدگان مسابقات شطرنج کتابخانه‌های تهران آشنا شویم. این گروه پیروز اعضای کتابخانه ۲۰ هستند و اسامی آنها به‌ترتیب باین شرح است: آقایان ۱- قاری قرآن، ۲- مهرداد درویش‌پور، ۳- محمدرضا گل‌سرخ، ۴- علیرضا ربانی بیطرف، ۵- اویس معلم.



## بزرگداشت سالگرد کانون:

بمناسبت ۲۴ آذر سالگرد تأسیس کانون برنامه‌های ویژه‌ای در کتابخانه‌های تهران ترتیب یافت که از جمله میتوان از کتابخانه‌های مرکزی، ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ نام برد. در این مراکز فرهنگی، سالگرد تأسیس کانون با ترتیب نمایشگاههای عکس و پوستر از فعالیت‌های کانون در زمینه‌های مختلف، نمایش فیلم، داستانسرایی اجرای نمایشنامه، فیلم استریپ و دعوت از اولیای اعضا و آشنا کردن آنها با برنامه‌های کانون برگزار شد و طی آن از تلاش کانون در جهت پرورش فکر کودکان و نوجوانان تجلیل بعمل آمد. همچنین در کتابخانه شماره ۵ ستونی از نشریه واحد کتابخانه به این امر اختصاص یافت و گزارشی در این زمینه تهیه شد.

## پایان بررسی کتاب در تابستان:

کار بررسی فرمهای کتاب در تابستان که با شعار «بیشتر بخوانیم و بهتر بخوانیم» بین اعضای خردسال و بزرگسال کتابخانه‌های تهران برگزار شد پایان گرفت. در این مسابقه بیشتر از هزار عضو شرکت داشتند. که نظرات و انتقادهای خود را از کتابهای تعیین شده در فرمهای مخصوص این مسابقه ارائه دادند. از میان فرمهای جمع‌آوری شده تنها ۱۰۰ بررسی خوب و همه جانبه بود و باقیمانده نارسا و بی‌ربط. از این میان بیشتر از سی بررسی در ردیف بهترین‌ها بود. به‌هیک از اعضائی که بهترین بررسیها را در این مسابقه داشتند «گواهینامه افتخار» داده شد و از آنها تجلیل بعمل آمد.

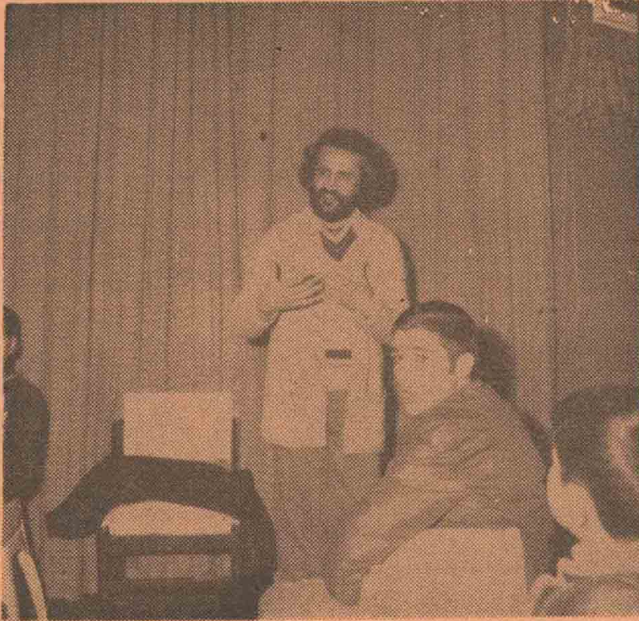


پارك ادامه یافت و بحث گرم بچه‌ها با آقای رضوان چنان موفق بود که سرمای پارك را از یاد آنها برد.

کتابخانه شماره ۱۹:

آقای «اکبر نعمتی» نویسنده کتاب «داستان يك شیر واقعی» در اولین چهارشنبه دی ماه در محفل کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه شماره ۱۹ بود. در این برنامه آقای نعمتی ضمن صحبت درباره ادبیات کودک به سؤال‌های بچه‌ها پاسخ گفت.

در این برنامه ۱۸ نفر از اعضای کتابخانه يك هم شرکت داشتند.



مرکز فرهنگی شماره ۸ در روزهای شنبه ۲۹ آذر و شنبه ۱۳ دی دومه‌مان صاحب‌نظر در ادبیات کودکان داشت. ایندو میهمان خانم قدسی قاضی‌نور و آقای مرتضی رضوان بودند که در دو برنامه گفت و شنود بانظرات و عقاید کودکان و نوجوانان آشنائی بیشتری یافتند و خود فکرها و تجربه‌های تازه خود را عرضه کردند. سؤال‌های مطرح شده از طرف بچه‌ها غالباً جالب و در مواردی شتابزده بود. برنامه آقای رضوان با وجودیکه از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۶:۳۰ بعداز ظهر در کتابخانه ادامه داشت حتی بعداز تعطیل کتابخانه در



از منصوره دانه‌گار.  
عضو روزنامه‌نگاری کتابخانه  
شماره ۲۳  
سن: ۱۱ سال

## دخترک رؤیایی

گذاشت. اما صدای آهنگ می‌آمد. آهنگ برای چه؟ اینجا که کسی نیست. ولی رفت جلو - جلو و جلوتر تا رسید به خانه ماه هرچه جلوتر میرفت صدای آهنگ بلندتر به گوش میرسید. او در زد و دختر ماه آمد و در را باز کرد. او را به درون خواند. گلبرگ به درون رفت. وای عروسی پسر ماه بود! وستارگان برس پسر ماه و عروس خانم که دختر خورشید بود نقلهای سپیدرنگی میریختند. او فهمید این نقلهاست که ایجاد برف می‌کند. ولی آیا هر وقت که برف می‌آید عروسی است؟

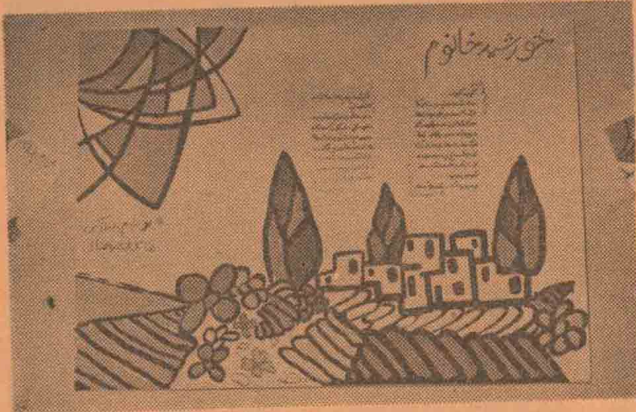
پس جوابی پیدا نکرد یکدفعه بخود آمد دید ساعت ۸ است و مدرسه‌اش دیر شده غرغرکنان سوی مدرسه روانه شد. این بود داستانی از رفتن گلبرگ به جهان رؤیا.

روزی روزگاری، دخترکی بنام گلبرگ زندگی میکرد که تو شهرشون از همه سر بود. او بسیار زیبا بود. موهایی داشت از شبق مشک‌تری، از کمان بلندتر. گلبرگ در رؤیا بود. يك شب بیخوابی به سراغش آمد. او به همه چیز فکر کرد. هر چیزی که نگاه کرد به برفهایی که مانند پنبه از آسمان به زمین فرود می‌آمد. از خود پرسید: این برفها از کجا آمده‌اند؟ او کنجکاو بود و برای رسیدن به پاسخ خود فکر کرد. همینطور که در رؤیا فرو رفته بود زرافه‌ای را دید به کنار زرافه رفت. از او خواهش کرد که او را به آسمان ببرد. زرافه قبول کرد. گلبرگ از گردن زرافه بالا رفت و رفت و رفت تا به آسمان رسید. به آسمان قشنگ. از کنار ستارگان گذشت. به ابرها رسید. ابرها را هم زیر پا

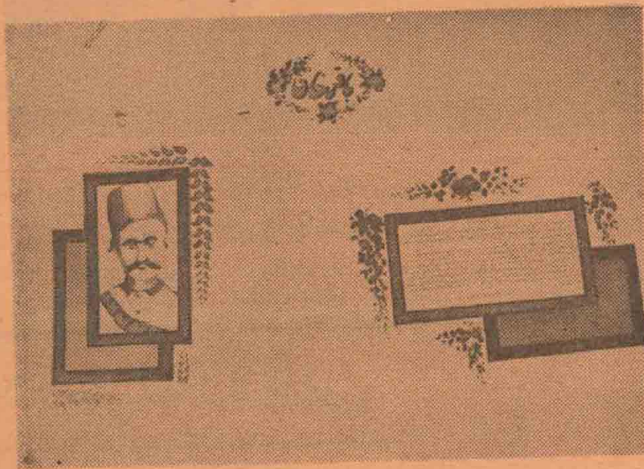


# کتابخانه‌های شهرستان

تازه برای کودکان و نوجوانان کتابخانه‌ها باشد) همیشه و همیشه مورد توجه کتابخانه‌هاست. در همین زمینه، در کتابخانه‌ی شماره ۲ شیراز، از بازدید کودکان شیر و خورشید سرخ ایران باید یاد کرد که در همین بازدید، اجرای برنامه‌ی داستان‌سرایی برای بچه‌های این کودکان



معمور «خورشید خانوم» - کتابخانه شماره ۱ رضاییه



معرفی باقرخان در کتابخانه‌ی کودک دامغان



معرفی دیواری آب و گندم - کتابخانه قم

● یاران همیشگی مادر کتابخانه‌های شهرستانها، با تلاشهای پیگیر خود، راهگشا و راهنمای کودکان و نوجوانان به‌دنیای کتاب و کتابخوانی هستند، که حاصل همه‌ی کنکاشها و تلاشهایشان - هر مام به‌گونه‌ی گزارشهای ماهانه، نامه‌ها، رونوشت آگاهی‌نامه‌های دیواری کتابخانه‌ها و آثار کودکان و نوجوانان، بما می‌رسد و شور و شوقی که در وجود همه آنان سرشار است خوشحالمان می‌کند. امید که همه‌ی یاران ما، از شرق تا غرب، و از شمال تا جنوب، پیوسته ما را در جریان دقیق فعالیت‌های خود قرار دهند تا از این دریچه در بازتاب گوشه‌هایی از فعالیت‌های مداوم آنان تلاشی سودمند داشته باشیم.

● گهگاه، وجود پاره‌ای نقائص فنی کوچک و کمبودها و کاستی‌هایی در کتابخانه‌های شهرهای دور و نزدیک را بچشم می‌بینیم، که بدون تردید همه‌ی ما در تلاش رفع کژی‌ها و کاستی‌های کتابخانه‌هایمان هستیم و این به تنهایی «نباید» و «نمی‌تواند» برای کتابداران مایه ملالت باشد.

● شرکت دادن اعضا، در کارهای دیواری کتابخانه‌ها - چه بسا در تهیه‌ی معرفی‌نامه‌ها و آگاهی‌نامه‌هایی که خود کتابداران برای اعضا تدارک می‌بینند - به‌گونه‌ی بهره‌گیری از خوشنویسی یا نقش پردازیهای زیبای برخی از نوجوانان، می‌تواند گامهای پرثمری در جهت علاقمند کردن آنان بر کارهای گروهی به حساب بیاید، که در این زمینه در بسیاری از کتابخانه‌هایمان اعضا کتابداران کتابخانه‌ی خود را یاری می‌دهند که حاصل کار برای بچه‌ها - از آنجا که به نوعی خود را نیز در تکوین آن سهیم می‌دانند - دلچسب و خوشایند است.

● ارتباط کتابداران با آموزش و پرورش در شهر - های کوچک و دور افتاده، برقراری بازدیدهایی از مدارس، و فراهم ساختن امکان بازدید از کتابخانه‌ها، در شناساندن کتابخانه‌های کانون سهم بسزائی دارد که با چنین چشمداشتی در بسیاری از کتابخانه‌ها، تلاش چشمگیری در این زمینه دیده می‌شود.

● بحث آزاد بسیاری از کتابخانه‌های دور و نزدیک - در آذرماه - به «آغاز هفته‌ی روشندان» و سالروز تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اختصاص داشت که در حاشیه‌ی آغاز هفته‌ی روشندان در برنامه‌های معرفی شخصیت بسیاری از کتابخانه‌ها نیز «هزن کلر» را جای داده بودند.

● اجرای برنامه‌ی بازدیدهای باهدف (بازدیدهایی که می‌تواند فرصت مناسبی برای آشنائی بامحیط و موقعیت



نیز جالب توجه بنظر می‌رسد.

● بازدید کتابداران کتابخانه‌ی شماره ۳ شیراز از چند پرورشگاه و بازدید اعضای این کتابخانه از نمایشگاه نقاشی اعضای کتابخانه‌های کانون در حافظیه از دیگر فعالیت‌های در خور اعتناء کتابخانه‌های شیراز بحساب می‌آید.

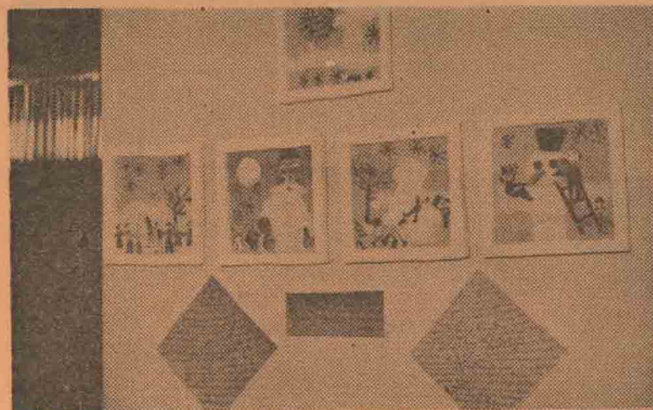
● در کرمانشاه، دانش آموزان چند مدرسه از کتابخانه‌ی شماره ۱ این شهر، دیدن کردند و علاوه بر این، بمناسبت پایان اولین دهه‌ی فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در کتابخانه‌ی سنندج، گذشته از بازدید دانش آموزان از کتابخانه، برنامه‌های متنوعی نیز اجرا گردید.

● بازدید اعضای کتابخانه‌ی چالوس از مؤسسه‌ی گیاه‌شناسی نوشهر و شرکت اعضای کتابخانه‌ی بابل در تهیه‌ی یک برنامه برای رادیو و تلویزیون مازندران تلاش چشمگیری در گسترده‌تر کردن زمینه‌های فعالیت در کتابخانه‌های شهرستان است، که امید داریم این کوشش‌های خوب، همراه با هدف‌های از پیش شناخته شده صورت گیرد تا ارزش کار را دو صد چندان کند.

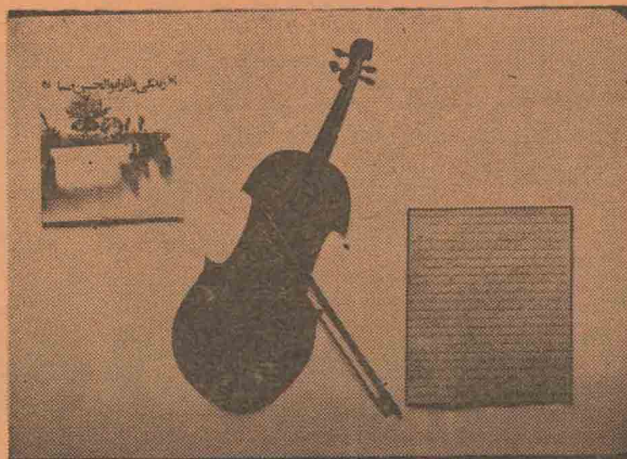
● کتابخانه‌ی سیار شهری در زاهدان و مشهد، در ماه گذشته نیز با کیفیت مطلوبی به کار خود ادامه دادند. کتابخانه‌ی سیار شهری مشهد در ماه گذشته با گسترده‌تر کردن دامنه‌ی فعالیت‌های خود ۵۰۰ عضو جدید پذیرفته است که هم‌اکنون در پوشش نسبتاً وسیعی با مدارس و مراکز رفاهی بیشماری - در مشهد - در ارتباط است.

● داشتن گرد هم آئی‌های هفتگی و ماهانه - و بطور کلی نشست‌هایی در هر فرصت مناسب - کتابداران، سرپرستان و کارشناسان فرهنگی مناطق مختلف را بهتر و بیشتر در جریان کار کتابخانه‌هایشان قرار می‌دهد و در پیشبرد کارها و پیش‌بینی برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی در جهت رفع نارسائی‌ها و کاستی‌هایی که در کارشان بچشم می‌خورد، سودمند خواهد بود. بهمین روی، در منطقه‌ی خراسان، کتابداران کتابخانه‌های مشهد در کتابخانه‌ی شماره ۲ گرد آمدند و به‌یاری دست‌اندرکاران سرپرستی این منطقه گفتگوهای جالبی داشتند. در همین نشست، از ارسال کارهای دیواری اعضای به مدارس مختلف (برای استفاده تعداد بیشتری از کودکان و نوجوانان)، تنوع بخشیدن به اجرای برنامه‌های داستانسرای و معرفی‌نامه‌های مختلف و توجه به آثار کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مختلف، شعر، قصه، و نقد، سخن بمیان آمد.

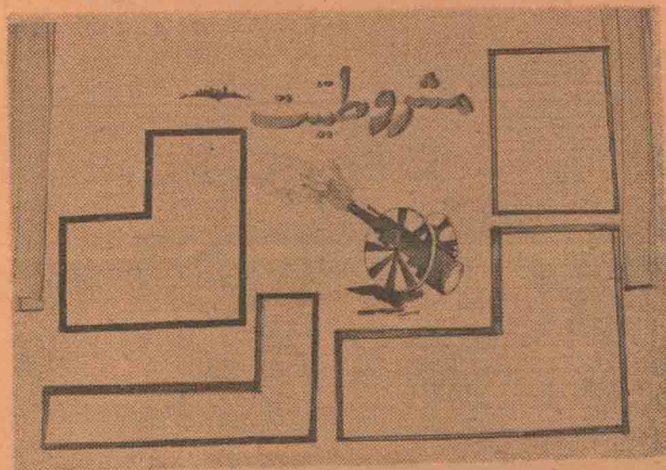
● برپائی نمایشگاه نقاشی کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۶ ساله‌ی عضو کتابخانه‌های شهرستانها، در نگارخانه‌ی میرک مشهد نیز بمناسبت سالروز تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فعالیت در خور اعتنائی در منطقه‌ی خراسان بحساب می‌آید، که در زمینه‌های مختلف از جمله «باتیک»، و «چاپ سیلک» نقاشی‌های جالبی ارائه شده است.



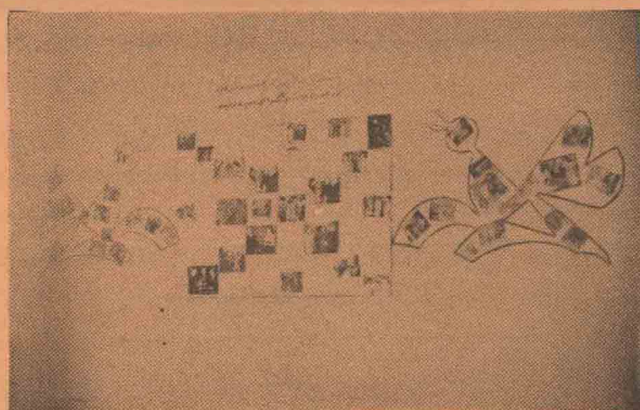
مصور «بابا برفی» در کتابخانه‌ی شماره ۱ رضائیه



معرفی ابوالحسن صبا در کتابخانه‌ی شماره ۱ اهواز



درباره‌ی مشروطیت - کتابخانه‌ی دامغان

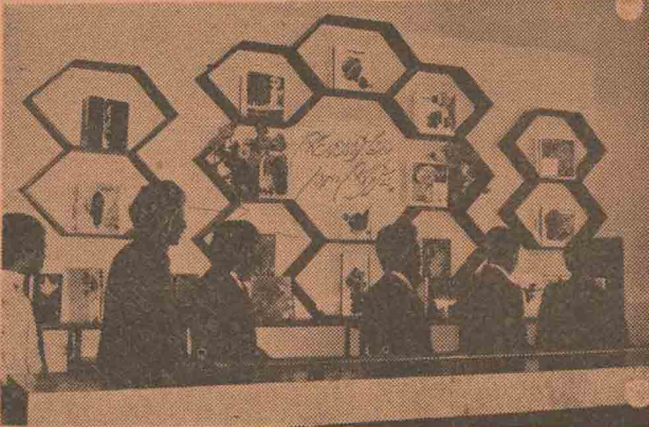


کانون در آستانه‌ی دوهین دهه - کتابخانه‌ی لشت‌نشاء





تابلو نمایشگاه آثار کودکان کاخ جوانان و کتابخانه تبریز



نمایشگاهی از انتشارات کانون در فرودگاه رضائیه بمناسبت هفته کتاب کودک



نمایشگاه کتاب از انتشارات کانون در باشگاه کارگران رضائیه بمناسبت هفته کتاب کودک

کتابخانه‌های بندرپهلوی، لاهیجان و آستانه‌ی اشرافیه در زمینه‌ی معرفی و شناساندن فعالیت‌های «کانون» به بحث نشستند.

«کتابخانه‌های شهرستان»

● در آخرین روزهای آبانماه - همزمان با گشایش دوازدهمین فستیوال، بین‌المللی فیلمهای آموزشی، دهمین فستیوال بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان نیز در تالار جمعیت شیروخورشید سرخ مشهد گشایش یافت که چند فیلم از ایران، سوئیس و شوروی به نمایش گذاشته شد.

● درزمینه‌ی تهیه‌ی نشریه‌های دیواری در کتابخانه‌ی منطقه خوزستان، دستاوردهای جالب توجه‌ای داشته‌ایم، در کتابخانه‌ی شماره ۲ اهواز اعضای گروه نشریه، نشریه‌ی ساده و جالبی که دربرگیرنده‌ی دو موضوع «خط و زبان چگونه بوجود آمد؟» و «ابزار انسانهای نخستین» بوده است، ارائه داده‌اند.

● در کتابخانه‌های شماره ۱ اهواز، آبادان، خرمشهر و پایگاه وحدتی دزفول در زمینه‌ی نقاشی نمایشگاه‌های کوچکی در سالن کتابخانه‌ها و چند مدرسه برگزار شد.

● در کتابخانه شماره ۱ آبادان با همکاری مربی فیلمسازی این کتابخانه، اعضای گروه فیلمسازی یک فیلم نقاشی متحرک بانام «خورشید خانم» تهیه کرده‌اند که با اشتیاق فراوان از آن نام برده‌اند.

● بمناسبت آغاز هفته‌ی کار پیشاهنگی، در کتابخانه‌ی ساوه درباره‌ی مؤسس سازمان پیشاهنگی درجهان و تاریخچه و هدفهای این سازمان و پیشاهنگی در ایران سخن رفته است.

● معرفی کامل اصفهان در کتابخانه‌ی مرکزی اصفهان (بدگونی نمایشگاه ارزنده‌ی) از لباسهای سنتی مردم همایونشهر، عکسها، نقشه‌ها و نوشته‌هایی که هر یک بر گونه‌ای گوشه‌هایی از اصفهان را روشن می‌سازد، از جمله‌ی بهترین معرفی‌های ماه گذشته در شهرستانها بحساب می‌آید. در همین ماه، کتابخانه‌های رهنان، نجف‌آباد، اردستان و شهر کرد نیز با داشتن برنامه‌ی بازدید و ارائه‌ی کارهای خوب، تلاشهای پرثمری داشته‌اند.

● در زمینه‌ی بازدید از مدارس در جهت ایجاد ارتباط مداوم با آموزش و پرورش، برای جلب و جذب اعضای جدید، برخی از کتابخانه‌های منطقه‌ی کرمان و بندرعباس، بویژه کتابخانه‌های بردسیر، جوپار، و چترود فعالیت‌های ارزنده‌ای داشته‌اند.

● در منطقه‌ی آذربایجان، از کیفیت مطلوب کار کتابخانه‌های تبریز و رضائیه که بگذریم در کتابخانه «خوی» با معرفی طالبوف به‌مراه کتاب معرفی (کتاب احمد)، کار جالبی ارائه شده است.

● بمناسبت آغاز یازدهمین سال تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اعضای و کتابداران در



## شاعر حقیقی

شاعران خود را باخته و سرهایشان را پائین افکندند و خاموش ماندند. تنها نوجوانی از آن میان چشمان خود را بچشمان مهاراجه دوخت. او مانند صد شاعر دیگر بعیش و نوش وقت نگذرانده و بسادگی زندگی کرده بود هنگامیکه شعرا شراب میخوردند و یا بخواب خوش میرفتند، او تنها بیک گوشه‌ای میرفت، شعر میسرود و اشعار خود را با اشتیاق فراوان با آواز میخواند.

مهاراجه بوزیر خود گفت: «نه، این صد نفر هم شاعر نیستند، آنها بیکاره و مفتخورند. وقتیکه در زندان از شادیه‌ها و لذایذ دنیوی محروم بودند، شعر میگفتند و هر کدام از زندگی تلخ و سرنوشت تیره خود شکوه میکردند. اما همینکه بزنگی باشکوه و پراز عیش سرگرم شدند، از الهام ذوق آنها اثری باقی نماند آنها را کنگ بزیند و از قصر دور سازید!»

پس از اینکه خشم مهاراجه فرو نشست، شاعر جوان را نشان داده و بوزیر گفت: «این جوان هم از درد و محنت و هم از عیش و خوشی الهام میگیرد. او هم در شب تیره و هم در صبح روشن، هم در برابر مرگ سیاه و هم در روز خوشبختی شعر میسراید. همه شاعران حقیقی چنین هستند آنها همواره از زندگی الهام می‌گیرند. چشمه شعر آنها را هیچ حادثه‌ای خشک نمیسازد. این جوان هم شاعر حقیقی است و از امروز ببعد شاعر مخصوص ما خواهد بود. زندگی دلخواه او را فراهم بیاورید، تا هر روز بقصر بیاید و شعری برای ما بخواند.»

شاعر جوان روز بعد بقصر آمد و شعری را که سروده بود خواند. روز دوم و سوم هم اشعار خود را برای مهاراجه خواند. ولی روز چهارم در قصر حاضر نشده، نامه‌ای نوشت و برای مهاراجه فرستاد: «بنا بمیل و دستور شما نتوانستم شعر بگویم. من شاعر قلب و خویش و الهام آزاد خود هستم. من برده آرزوها و امیال کس دیگری نمیتوانم باشم.»

پسر جوان وزیر پیشین پس از خواندن نامه شاعر خشمگین شد و بمهاراجه گفت: «حق نان و نمک را نمیشناسد.» مهاراجه باو اعتراض کرد: «نه، حق باتو نیست. آخر او شاعر است، هرگاه پدر تو اکنون زنده بود در برابر او بسجده میافتاد. شاعر حقیقی آزاد است و آزادانه نغمه میسراید. اشعار بردگان را تنها بردگان میخوانند. اگر این شاعر بقصر ما هم نیامد باید زندگی او را تأمین کرد تا شعر قلب خویش را بسراید.»

وزیر جوان با حیرت و تعجب سکوت کرد و در برابر این ماجرا سرخود را پائین انداخت و بفکر فرو رفت ...

روزی از روزها مهاراجه بزرگ، محبوبترین مهاراجه آفتاب و ماه، بوزیر خود امر داد تا شاعری حقیقی برای او انتخاب کند.

وزیر رای مهاراجه را برای عموم اعلام کرد. روز بعد در برابر قصر جمعی گرد آمدند. هزار و یک نفر بانجا جمع شده بودند و همه بیک صدا گفتند: «ما شاعر حقیقی هستیم.»

وزیر بیست و یکروز باشعار آنها گوش داد اما نتوانست بهترین شاعر را برگزیند. او یکروز تمام فکر کرد و روز دوم و سوم هم در آن باره اندیشید. روز چهارم نام هزار و یک شاعر را باخط زرین روی صفحه کاغذی نوشت و آنرا پیش مهاراجه برد. مهاراجه با تعجب پرسید: «براستی همه اینها شاعرند؟» وزیر تعظیم کرد و جواب داد: «فرمانروای بزرگ! من اشعار آنها را بدقت گوش دادم، اما نتوانستم شایسته‌ترین آنها را انتخاب کنم و باین جهت نام همه را نوشته و پیش شما آوردم خود انتخاب کنید.»

مهاراجه مدتی فکر کرد و پس چنین امر داد: «شعرا را بزندان افکنید و آنها را شکنجه دهید و همه را آگاه سازید که از این پس هر کس یک بیت شعر بگوید پشندت کیفر می‌بیند و از شهر تبعید میشود.»

شش ماه از آن ماجرا گذشت. یکروز مهاراجه بزندان رفت و امر داد همه شاعران زندانی را بگردند از هزار و یک شاعر، تنها صد و یک شاعر از شکنجه و عذاب توان فرسای زندان نهراسیده و از هنر خود دست برنداشته بودند. آنها خشم و کیفر مهاراجه را بهیچ شمرده و شبها دور از چشم نگهبانان شعر میسرودند.

مهاراجه بوزیر خود گفت: «اکنون می‌بینید که نهصد نفر از آنها شاعر نبوده و آدمهای شهرت طلب میباشند. بانها پول بدهید و بگذارید از اینجا بروند. صد و یک شاعر دیگر را بقصر طاووس ببرید و همه چیز برایشان آماده کنید تا در خوشی و رفاه بسر برند.»

وزیر بدستور مهاراجه عمل کرد. صد و یک شاعر لباسهای فاخر پوشیدند، و وقت خود را بخوردن خوارکها و نوشابه‌ها و عیش و نوش میگذراندند. آنها حرفهای پوچ و بیمعنی میزدند و دیگران آن حرفها را شنیده و بحالشان تأسف میخوردند.

شش ماه هم بدینسان گذشت. روزی مهاراجه با وزیر خود در قصر حضور یافته و صد و یک شاعر را احضار کرد و بانها گفت: «شما شش ماه تمام باشادی و عیش گذراندید. اکنون کدام یک از شما باشعار خود میتوانید ما را سر ذوق بیاورید و خاطر ما را محظوظ دارید؟»



# چگونه می‌توان با رنگ روغن کار کرد؟

نمی‌باشد. و فقط برای آفریدن يك اثر هنری والا باید مورد استفاده قرار گیرد.

نوع دیگری از گونی‌های ریزبافت است که در ایران موجود می‌باشد. و اصطلاحاً «کتان علفی روسی» نامیده می‌شود، «کتان علفی روسی» را می‌توان از مغازه روسی واقع در انتهای لاله‌زار نرسیده به میدان سپه خرید. عرض این گونی‌ها حدود ۱۴۰ سانتی‌متر میباشد. که با آن می‌توان بهترین انواع بوم نقاشی را فراهم آورد. نوع دیگری از بوم ساخته شده است که بر روی چهارچوب میخ شده است و در فروشگاهها بفروش می‌رسد و مخصوص آنهایی است که حوصله ساختن بوم را نداشته باشند. و یادقت چندانی برای این کار ندارند. برای مبتدیان ارزان‌ترین و مناسب‌ترین پارچه جهت ساختن بوم نقاشی متقال درشت بافت می‌باشد. که در اغلب پارچه‌فروشی‌ها به چشم می‌خورد. و می‌توان از آن برای تمرین استفاده کرد.

## ب - چهارچوب نقاشی:

چارچوبی که از آن برای ساختن بوم استفاده می‌کنند باید از خارج به طرف داخل مطابق شکل شیب داشته باشد. تا وقتی که پارچه بر روی آن کشیده می‌شود در اثر تماس بالبه داخلی چهارچوب خط بر ندارد، زیرا فشار و ضربات قلم‌مویی باعث شل شدن پارچه می‌شود.

## ج - طرز کشیدن پارچه روی چهارچوب:

اگر فرض کنیم چهارچوبی مطابق شکل بااضلاع ۲۰ و ۳۰ داشته باشیم باید اول ضلع يك را میخ کنیم. سپس ضلع مقابل آن یعنی ۲ را میخ کنیم. و بهمین ترتیب اضلاع ۳ و ۴ را می‌توان بترتیب میخ کرد. میخ‌ها را باید به فاصله ۴ الی ۵ سانتی‌متر بزنیم تا پارچه بعد از استفاده شل نگردد. پس از کشیدن پارچه می‌توان آنرا به روش‌های مختلفی برای نقاشی کردن آماده نمود که در اینجا ساده‌ترین و مناسب‌ترین روش آنرا بازگویی کنیم تا مورد استفاده مبتدیان قرار گیرد. باید به ترتیب زیر عمل کنیم.

۱- يك دست چسب بر روی پارچه طوری کشیده شود که بافت پارچه از بین نرود. یعنی چسب نباید زیاد باشد یا زیاد غلیظ نباشد. در اینجا می‌توان از چسب‌های نجاری مایع که گی‌کل (Gicol) يك نوع از آنهاست و در رنگ فروشی‌ها موجود است استفاده نمود. این چسب‌ها در آب حل می‌شوند.

بعد از خشک شدن چسب باید با سمباده کمی پرزهای اضافه را بگیریم تا پارچه يك دست شود. بعد از این مرحله باید با قلم‌مو یا کاردك يك لایه رنگ سفید روغنی بر روی آن بزنید. بطوریکه بافت پارچه را نبوشاند. چون رنگ سفید

## چگونه می‌توان با رنگ روغن کار کرد؟

مقدماً باید بگوئیم که برای شروع هر کار یا نامه‌ای آشنایی با وسایل و ابزار آن ضروری می‌باشد. تا بتوان به بهترین وجهی از آن‌ها استفاده نمود. در این مسأله نمی‌توان تردید کرد که اگر از ابزار کار به نحو درستی استفاده نشود نتیجه درستی هم نمی‌توان از کار گرفت. مثلاً اگر يك نقاش نتواند قلم‌مو را درست دست بگیرد یا نتواند از رنگ‌های مناسب و بوم مناسب استفاده بنماید. کارش هم چندان مطلوب نخواهد بود. چون در يك کار هنری از کوچکترین امکانات باید برای فراهم آوردن نتیجه مطلوب دل‌پسند سود بجوئیم کوچکترین توجه باعث بهتر شدن کیفیت اثر هنری خواهد شد. برای مثال استفاده از رنگ‌های مناسب را می‌توان ذکر کرد. چنانکه اگر فردی با امکانات امتزاج رنگ‌ها آشنا نباشد. در هنگام کار دچار سرگردانی می‌شود. یا مثلاً اگر از قلم‌موی آبرنگ برای کار رنگ روغن استفاده نماید بهیچ وجه کارش خوب نخواهد شد. در این شماره گفتار مختصری درباره امکانات فنی وسایل نقاشی رنگ روغن خواهیم داشت. تا مورد استفاده علاقمندان قرار بگیرد - خصوصاً آنهایی که می‌خواهند نقاشی با رنگ روغن را آغاز نمایند.

## الف - طرز ساختن بوم:

وسایل لازم:

میخ سایه‌ریز، چسب نجاری، سپین‌کا، روغن بزرک، سمباده.

اصطلاحاً بوم به صفحه پارچه‌ای اطلاق می‌شود که باید بر روی چهارچوب کشیده شود. برای ساختن بوم باید از انواع پارچه‌هایی استفاده کرد که بافت درشتی دارند یعنی زیاد صاف نباشند.

ضمناً پارچه انتخاب شده باید طوری باشد، که هنگام استفاده پاره نشود یا شل نگردد. پارچه‌هایی که زود شل می‌شوند یا خیلی نازک هستند، مانند چیت، چلوار و پاتیس برای ساختن بوم مناسب نمی‌باشند. بهترین نوع پارچه که برای ساختن بوم نقاشی می‌توان از آنها استفاده کرد پارچه‌هایی از جنس گونی می‌باشند، چنانکه بهترین انواع بوم از پارچه‌های گونی بافت تهیه می‌شوند، در ایران متأسفانه گونی‌های ریز بافت در کارخانه‌ها تهیه نمی‌شود.

وعیب بزرگ گونی‌های معمولی هم در اینست که چون دارای بافت درشت می‌باشند مقدار زیادی رنگ را بخود می‌کشند و از این رو بدمد ساختن بوم نمی‌خورند، البته بوم‌های متری آماده شده از جنس گونی موجود می‌باشد که دارای قیمت زیادی است و برای تمرین بهیچ وجه مناسب



بیش از همه رنگ‌ها در نقاشی بکار می‌رود و از طرفی ساختن آن عملی است. در اینجا طرز ساختن آنرا شرح می‌دهیم.

طرز ساختن رنگ سفید:

چون ساختن رنگ سفید بمراتب ارزان‌تر تمام می‌شود و از این رو با صرفه‌تر است، برای کارهای تمرینی می‌توان از آن استفاده نمود. نخست پودر «سین‌کا» را بر روی تخته رنگ که معمولاً از جنس فرمیکا یا شیشه می‌باشد بریزید. سپس مقداری روغن بزرگ در آن بریزید و با کاردک آنقدر سین‌کا و روغن بزرگ را بهم بسایید تا کاملاً نرم شود. باید آنقدر پودر سفید به آن بیفزائید تا کاملاً رنگ به‌غلظت واقعی خود برسد. برای خشک شدن یا اصولاً زودتر خشک شدن می‌توان مقداری روغن «سی‌کاتیف» به روغن بزرگ افزود. در هنگام نقاشی می‌توان از روغن بزرگ برای رقیق کردن رنگ‌ها نیز استفاده کرد.

انواع کاردک: چنانکه میدانیم انواع و اقسام کاردک در فروشگاهها موجود می‌باشد که برای نقاشی رنگ و روغن روی بوم و ترکیب رنگ‌ها می‌توان از بهترین آنها که در شکل دیده می‌شوند، استفاده نمود. کاردک‌هایی که پهن و بزرگ می‌باشند برای آنهایی است که کارشان رنگ زدن در ودیوار می‌باشد. کسانی که روی بوم کار می‌کنند برای ترکیب کردن رنگ و برداشتن بهتر است از کاردک‌های ظریف و کوچک مخصوص استفاده نمایند.

انواع قلم‌مو: قلم‌مویی معمولاً بر دو نوع است قلم‌مویی آبرنگ و قلم‌مویی رنگ‌روغن. مطابق شکل قلم‌مویی آب رنگ معمولاً گرد و استوانه‌ای می‌باشد که دارای موهای نرم می‌باشد و قلم‌مویی رنگ‌روغن که پهن و مسطح می‌باشد دارای موهای زبر و سفت می‌باشد. کارخانه‌های زیادی هستند که قلم‌موی رنگ‌روغن و آبرنگ می‌سازند. ولی توصیه می‌شود که از مناسب‌ترین آنها که در ایران موجود است و با علامت «WINSOR» وینزر مشخص شده است استفاده گردد. قلم‌موهای مشابه ژاپنی که بجای وینزر غالباً بفروش می‌رسد برای نقاشی چندان مناسب نمی‌باشند. و علاوه بر آن پس از مدتی استفاده ریخت و پاش می‌شوند. قلم‌موهایی که با علامت پلیکان Plican مشخص گردیده‌اند برای آبرنگ می‌توانند کاملاً مفید باشند.

انواع رنگ: رنگ‌روغن معمولاً به دو شکل آماده می‌شود:

الف - که بصورت قوطی است.

ب - که بصورت خمیر می‌باشد.

رنگ‌روغن‌هایی که در قوطی‌های در بسته عرضه می‌شوند برای رنگ زدن ساختمان یا در ودیوار بکار می‌روند و برای کار نقاشی نمی‌توانند مورد استفاده واقع شوند.

رنگ‌روغن‌هایی که بصورت لوله‌های خمیری شکل عرضه می‌شوند مخصوص نقاشی روی بوم است. و رنگ‌های زیادی هم دارد که از میان همه آنها می‌توان برای ساده‌تر شدن کار و نیز کم خرج‌تر بودن، از چند رنگ به اصطلاح

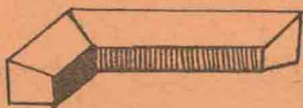
مادر استفاده کرد و باقی رنگ‌ها را با آنها ساخت. در اینجا سعی کرده‌ایم تا چند رنگ مناسب با شماره واسم مشخص گردانیم تا برای آنهایی که رنگ‌روغن کار می‌کنند مورد استفاده باشد.

با این چند رنگ می‌توان صدها ترکیب رنگی بوجود آورد. برای رقیق کردن آنها هم می‌توان از روغن بزرگ استفاده کرد. و برای اینکه زودتر خشک شود می‌توان به آن روغن «سی‌کاتیف» افزود:

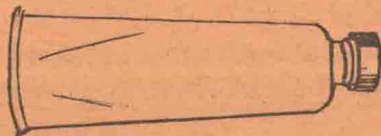
VANPYK BROWN	No 41	قهوه‌ای
SAP GREEN	No 37	
VIRIDIAN GREEN	No	سبز
SCARLET Red	No 38	
ALIZARIN Red	No 01	
CADMIUM Red	No	قرمز
PRUSSIAN BLUE	No	
COBALT BLUE	No	آبی
CERULINE BLUE	No 10	

و رنگ‌های زرد تیره، نارنجی، سفید و مشکی.

برای شروع کار باید هر یک از این رنگ‌ها را مطابق نیاز بر روی تخته رنگ که اصطلاحاً «پالت» نامیده می‌شود بچینیم. و فاصله رنگ‌ها بترتیب باید طوری باشد که رنگ‌ها باهمدیگر قاطی نشوند.



مقطع یک چهارشیب دار



خمیر رنگ وینزر



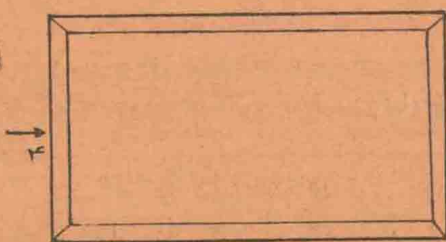
قلم رنگ روغن



قلم آب رنگ



انواع کاردک



چهارشیب  
بطرف دوش



# آشنایی با مرکز تئاتر کانون

جنوب سفر کرده و نمایشنامه‌های فوق را برای مردم این نواحی به اجرا درآورده است.

۷- شرکت این گروه در نهمین جشن هنر شیراز، بطور جنبی، در کتابخانه‌های کانون.

۸- شرکت در جشنواره توس و اجرای نمایشنامه‌های فوق در مشهد و توس.

۹- اجرای تابستانی در پارک نیاوران و پارک فرح آباد خزانه.

## گروه حرفه‌ای دوم

این گروه از تابستان ۱۳۵۴ آغاز به کار کرد. در تشکیل کادر این گروه از اعضای آموزش یافته آماتور استفاده شد. فعالیتهای اساسی این گروه عبارت است از:

۱- اجرای نمایشنامه ترب و خورشید خانوم آفتاب کن در سطح کتابخانه‌های وابسته به کانون

۲- شرکت در فستیوال بین‌المللی تئاتر کودکان در هامبورگ و اجرای نمایشنامه‌های شاپرک خانوم و ترب.

۳- اجرای نمایشنامه شاپرک خانوم در تالار ۲۵ شهریور بمناسبت جشن‌های فرهنگ و هنر.

این گروه اکنون مشغول فعالیت آموزشی و هنری خود میباشد.

## تئاتر سیار

بنا به امر علیاحضرت فرح پهلوی در سال ۱۳۵۳ مرکز تئاتر يك اتومبیل تئاتر سیار خریداری کرد که واجد خصوصیات کاملی از يك تئاتر متحرك بود که در ضمن میتواند محل نمایش فیلم و اجرای اسلاید نیز باشد. این اتومبیل همانگونه که ذکر شد، اکثر اجراهای تهران را به شهرستان برد. از ویژگیهای این اتومبیل کم‌نظیر بودن آن در دنیاست.

اقدام جهت همکاری با سایر گروههای تئاتر کودکان کشورهای دیگر

در اثر این اقدام گروه سیاه از چکسلواکی، گروه پیپر بگ پلیرز از آمریکا و تئاتر سایه از فرانسه بایران آمدند.

## دوره گسترش فعالیت و سازمان‌بخشی جدید

در فعالیت مرکز تئاتر، فعالیت‌های اجرائی در سراسر کشور گسترده بود اما کار آموزش در کتابخانه‌ها محدود به تهران بود. تا اینکه لزوم فعالیت در کتابخانه‌های شهرستانها باعث شد که مرکز تئاتر به فکر توسعه قسمت آموزشی خود باشد و این مهم را از گردن گروه اجرائی بردارد و به یک قسمت تازه نفس بسپارد.

مرکز تئاتر کانون در سال ۱۳۵۱ تأسیس گردید. این قسمت جوان فعالیت خود را با تشکیل يك گروه حرفه‌ای آغاز کرد که ضمن فعالیت در زمینه اجرای نمایشنامه‌هایی، کار تدریس تئاتر را در کتابخانه‌های تهران بعهده گرفت. این گروه نمایشنامه‌های ذیل را تهیه و اجرا کرد.

۱- شاپرک خانوم

۲- ترب

۳- کوتی موتی

۴- خورشید خانوم آفتاب کن

۵- آریا داکاپو

توضیح آنکه چند ماه پس از تشکیل گروه حرفه‌ای، مرکز عروسکی شروع به فعالیت کرد که موفق به تهیه و اجرای نمایشنامه (حادثه‌ای در شهر عروسکها) گردید. اجرای این نمایشنامه توسط گروه حرفه‌ای فوق صورت گرفت.

فعالیتهای اساسی این گروه عبارتند از:

۱- اقدام به اجرای نمایشنامه‌های مذکور در شهرستانها و کتابخانه‌های کانون در تهران.

۲- شرکت جنبی در جشن هنر شیراز.

۳- اقدام به اجرای نمایشنامه‌های ذکر شده در شیرخوارگاهها، مدرسه ناینیان، اردوگاههای ترییتی، مدارس، بیمارستانها.

۴- اجرای همین نمایشنامه‌ها در تئاتر شهر و درسالن تئاتر ۲۵ شهریور بمناسبت جشن فرهنگ و هنر.

۵- اجرای تابستانی در پارک نیاوران بمدت یکماه. فعالیت گروه آماتور

این گروه ازدل گروه حرفه‌ای و در نتیجه آموزشهای این گروه بوجود آمد. قبلا اعضای این گروه در فعالیت‌های پشت صحنه شرکت داشتند و از نوجوانان تحت تعلیم بودند. این گروه غیر حرفه‌ای فعالیتهای ذیل را انجام داده است.

۱- اجرای نمایشنامه «ترب».

۲- اجرای نمایشنامه «خورشید خانوم آفتاب کن».

۳- اجرای نمایشنامه «واژه‌های متروک».

۴- اجرای نمایشنامه «رستم و سهراب».

۵- اجرای نمایشنامه عروسکی «حادثه‌ای در شهر عروسکها» بعنوان همکاری با قسمت نمایشهای عروسکی در تهران.

۶- اجرای نمایشنامه‌های فوق در شهرستانها: این گروه با استفاده از اتومبیل تئاتر سیار به خطه‌های شمال و



قسمت آموزش دومرحله را پشت سر گذاشته است.  
 ۱- دوره فعالیت مشترک شهرستان و تهران.  
 ۲- دوره فعالیت مجزا و همکاری.  
 تهران بديك سرپرستی محول شد و امور شهرستانها  
 نیز بديك سرپرست محول گردید.  
 تهران دارای ۵ مربی و ۱۲ کتابخانه است.  
 شهرستانها دارای ۷۲ مربی و ۶۴ کتابخانه میباشد.  
**فعالیت‌های مرکز آموزش تئاتر**  
 ۱- طرح و برنامه‌ریزی نظام تئاتر در کتابخانه‌های  
 کانون.

۲- آموزش مربیان براساس نظام فوق.  
 ۳- ایجاد قسمت بررسی ادبیات کودکان.  
 ۴- بررسی متن‌های ارسالی کودکان و نوجوانان  
 و اقدام به چاپ.  
 ۵- اقدام و پیگیری در امر تشکیل کتابخانه برای  
 مرکز آموزش تئاتر.  
 ۶- ایجاد پست بازرسی و نظارت بر فعالیت مربیان.  
 ۷- ایجاد کارگاه تئاتر برای کسانی که امکان ورود  
 قانونی به کتابخانه را ندارند ولی قبلاً دوره‌های تئاتر را در  
 کتابخانه‌ها دیده‌اند.  
 ۸- ترجمه کتاب بدیبه سازی در تئاتر نوشته و پولاد  
 سپولین.

#### تئاتر عروسکی

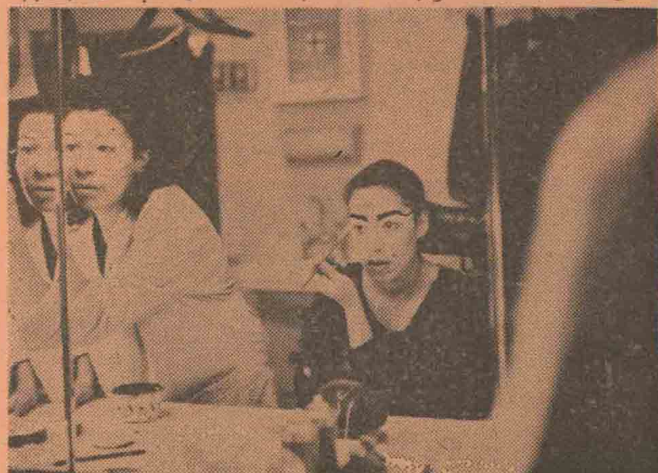
تئاتر عروسکی در سه قسمت آموزشی، اجرایی و کارگاه  
 فعالیت دارد.

#### الف: فعالیتهای آموزشی

فعالیتهای آموزشی شامل تربیت مربیان تئاتر عروسکی  
 برای کلاسهای تئاتر و عروسکی در کتابخانه‌های کودک  
 میباشد. مربیان تئاتر عروسکی از میان دانشجویان دانشگاه  
 تهران و دانشکده هنرهای دراماتیک و نیز از علاقمندان به  
 این رشته انتخاب و پس از گذراندن يك دوره آموزشی در  
 مرکز تئاتر، آماده تدریس تئاتر عروسکی می‌شوند. آموزش  
 مربیان شامل ساختن عروسکهای دستکشی، مسطح، کاغذی  
 و در صورت لزوم میله‌ای است و همچنین چگونگی بازی  
 با این نوع عروسکها را طی تمرینهای خاصی فرا می‌گیرند  
 و در پایان آموزش، هر يك از مربیان نمایش کوتاهی را  
 تنظیم و ارائه میدهند که کلیه کارهای مربوطه از قبیل  
 ساختن عروسک، دکور و صحنه را نیز شخصاً انجام میدهند.  
 طرح این برنامه بگونه‌ایست که مربیان دقیقاً همان  
 برنامه‌ای را که باید در کلاسها اجرا کنند خودشان در  
 دوره آموزشی انجام داده و بامشکلات کار آشنا میشوند.  
 کلاسهای تئاتر عروسکی در سال گذشته در ۱۶ کتابخانه  
 فعالیت داشت و امسال نیز از اول دیماه در ۱۳ کتابخانه  
 فعالیت خود را آغاز کرده است که کلاسهای سال جاری  
 در دو گروه به کودکان و نوجوانان بطور مجزا تمرین و  
 آموزش میدهد. در ضمن در مرحله ساخت عروسک علاوه بر



اجرای نمایشنامه «ترب» در کتابخانه آستارا تابستان ۱۳۵۳



گریم «شاپرک خانم»



اجرای نمایشنامه آریاداکاپو در اولین فستیوال نیاوران

۱۳۵۲





اجرای رستم و سهراب در آمفی تئاتر پارک خزانه تابستان  
۱۳۵۴

ساختن عروسکهای دستکشی و مسطح و یامبله‌ای که مخصوص نمایشنامه‌های عروسکی است سعی میشود به بچه‌ها چگونگی استفاده از اشیاء بی‌مصرف و غیر ضروری جهت ساختن عروسک و نمایش دادن با آن را آموخت. در واقع قسمت مهمی از تمرین‌های تئاتر عروسکی جان بخشیدن به اشیائی بی‌جان اطراف محیط زندگی میباشد.

### فعالیت اجرایی

امور اجرایی شامل فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور اجرای نمایشنامه‌های عروسکی برای کودکان و نوجوانان. در این واحد ابتدا نمایشنامه‌های عروسکی مناسب انتخاب میشود (نمایشنامه‌هایی که توسط مرکز تئاتر ترجمه شده) و سپس هنرپیشه‌ها تمرین‌های لازم را انجام می‌دهند. در ضمن پس از انتخاب نمایشنامه، برای دکور و وسایل صحنه به کارگاه عروسکی طرح لازم داده می‌شود.

گروه اجرایی تاکنون در نمایشنامه «شغل هزار قصه» و «حادثه‌ای در شهر عروسکها» را به اجرا درآورده است.

### کارگاه عروسکی

کارگاه عروسکی کارهای مربوط به ساختن عروسک، دکور و لوازم صحنه را برای نمایشنامه‌های عروسکی انجام میدهند، همچنین مربیان و هنرپیشه‌های عروسکی با کارهای مربوط به ساختن عروسک در این کارگاه آشنا میشوند.

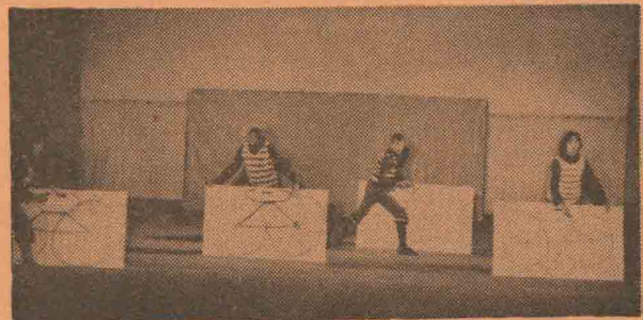
در حال حاضر کادر هنری عروسکی شامل: کارگردان، طراح، سازندگان عروسک، طراح صحنه و هنرپیشگان می‌باشند.

### امور عمومی

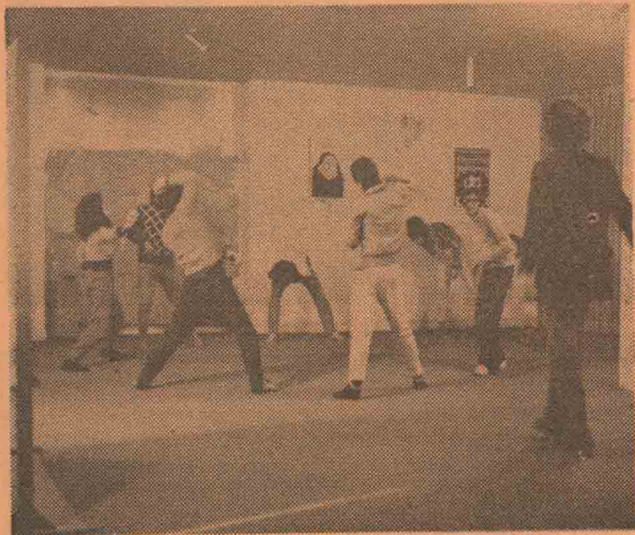
امور عمومی مرکز تئاتر، کلیه کارهای مالی، اداری، روابط عمومی، تدارکاتی، فستیوال‌های تئاتری، گروه‌های خارجی و مسئولیت اداری برنامه‌های نمایشی خارج از مرکز تئاتر را عهده‌دار میباشد.

در این واحد بایگانی کاملی از مکاتبات و گزارشهای مرکز تئاتر وجود دارد، همچنین برای کتابخانه این مرکز اقدام به خرید و جمع‌آوری کتابهای نمایشی و تئاتری شده است که در آینده یکی از کاملترین کتابخانه‌های مربوط به تئاتر خواهد شد.

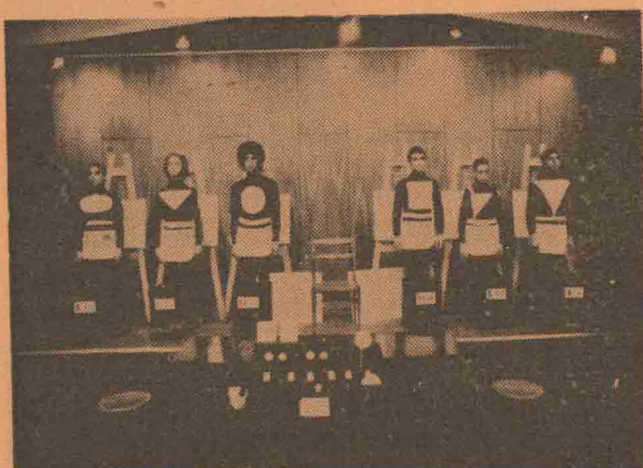
ضمناً امور عمومی بطور مستقیم با مسئولین واحدهای اجرایی، آموزشی و عروسکی ارتباط دارد و با تبادل نظر و همکاری لازم کارهای مربوطه را انجام می‌دهند.



نمایشنامه «همه و همه» توسط گروه پبلیک پلیدر از کشور آمریکا در فستیوال تابستانی نیاوران ۱۳۵۴



هنرپیشگان مرکز تئاتر هنگام تمرین در کلاس بدیهه‌سازی در تئاتر



اجرای نمایشنامه و اژدهای متروک در پارک فرح ۱۳۵۳



# کودک و دروغگوئی

کودکانی که تربیتشان را بعهدہ دارند چیزهایی خواهند آموخت. بی‌شبهه در قبال کودکان احساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد اما چنانکه گمان می‌رود خودشان را نیز مجهزتر و آشناتر خواهند یافت.

زیرا برای تربیت کودک باید پیش از هر چیز وی را دوست داشت و از روی وارستگی چیزهای بسیاری باو داد اما وقتی که انسان از آنچه می‌دهد خبر نداشته باشد و کسی را که دوست می‌دارد نشناسد، این دوستی و دهش چندان ارزشی نخواهد داشت.

ما در اینجا دعوی آن نداریم که به بحث و مطالعه عمیقی درباره دروغ پردازیم. اما چنین چیزی بی‌مناسبت خواهد بود. غرض ما روشن ساختن مفاهیمی است که جنبه کلی دارد.

دروغ در زندگی مانع قابل ملاحظه‌ای بازی می‌کند اما قسمت بسیاری از این بازیها در نهان صورت می‌گیرد. وضع خدمت‌هایی نیز که دروغ برای ما انجام می‌دهد، مقتضی این است که بازیهای آن در نهان صورت پذیرد. ناگفته پیداست که دروغ گذشته از آنکه باید از نظر شنوندگان مکتوم باشد، برای آنکه بتوان از همه‌ی دستاویزهای آن استفاده کرد، شایسته است که ما خودمان نیز درباره‌ی چگونگی و علل و اسباب آن در اشتباه باشیم. از اینرو تصویری که ما بطور کلی درباره‌ی دروغ داریم از چندین لحاظ ناقص و نادرست است.

پس برای آنکه حقیقت دروغ را بررسی کنیم و تصویر قاطع و صحیحی از آن بدست آوریم ناگزیر خواهیم بود که چه بسا ریاکاریها و ظاهر سازیهای وجدان - یا ضمیر فریب خورده‌ی خودمان را نقش بر آب کنیم. روانشناسی و مخصوصاً روانکاوی که در هر قدم با اینگونه اشکالها روبرو می‌شود این نکته را اثبات کرده است که غلبه بر این اشکالها محال نیست و ما به پیروی از روشهای این دو علم امیدواریم که بتوانیم موضوع را در زمینه مخصوص بررسی و مطالعه خودمان بخوبی روشن سازیم.

شود. او، توانسته با حروف انگلیسی آشنا شود و از وضعیت کشورها، دریاها و جاهای گوناگون چیزهایی بداند. بنظر او (۱۲=۱+۷+۴+۲) است. پس او کمی هم از جمع جبری میداند و همینطور «ضرب کردن» را و «جدول ضرب» را. ● «ابراهیم» تمایل خود را به بازیهای کودکانه هیچگاه پنهان نمی‌کند. به پدرش گفتیم، به او کمک کنند تا «بچگی» را از یاد نبرد و سالم و بانشاط زندگی کند. داستانهای نوشته است که اگرچه رگه‌هایی از آن را در یکی از کتابهای کتابخانه می‌یابیم، ولی بهرحال از فکر خوب «ابراهیم حسینی» سرچشمه دارد. ●

بسیاری از پدران و مادران و مربیان صورهای غلط یا حداقل بسیار ناقصی درباره دروغگوئی کودکان دارند. به عقیده آنان دروغگوئی در همه‌ی موارد، خطای اخلاقی است و اگر کودک مکرر متشبه شود گرفتار نقص و عیب می‌شود و وظیفه‌ی تعلیم و تربیت این است که بسر کوبی این عیب و نقص مبادرت جوید و این کار را یا بوسیله پند و اندرز که در دل تنفیری نسبت به دروغ برانگیزد، انجام دهد یا بوسیله مجازات‌هایی که بتواند طفل را از دروغگوئی باز دارد، صورت بدهد. ما در اینجا این نکته را نشان خواهیم داد که دروغگوئی کودک یا حداقل چیزی که ما آنرا دروغگوئی می‌خوانیم - دارای انواع و صور بشمار است که به عوامل گوناگون بستگی دارد و وجود آنرا در کودک خردسال هرگز نمی‌توان خطای اخلاقی شمرد و در کودکی که دارای سن بیشتری است همیشه نباید آنرا خطای اخلاقی بحساب آورد. از این گذشته باید دانست که دروغگوئی خود بخود چندان چیز مهمی نیست بلکه اغلب علامت یک حالت روانی است که شایسته همه گونه توجه مربی و گاهی روانپزشک یا طبیب امراض روانی کودکان است.

در حقیقت این مطالب چیزهای تازه‌ای نیست - دیگران، پیش از ما، بنحو رساتری به شرح این مفاهیم پرداخته‌اند و هرگز کسی از عهده‌ی رد آن بر نیامده است. اما چرا از مدتها پیش و در همه جا مردم به صحبت این مطالب گردن نگذاشته‌اند؟ برای آنکه عقاید نادرست بزرگسالان درباره‌ی دروغگوئی کودک زاده تصادف یا بیخبری ساده‌ای نیست و علل بسیار ریشه‌داری دارد این عقاید نیز علائم یک وضع روحی خاص است و مقاومتهای سختی در راه دفاع از آن بکار می‌رود و از اینرو در جستجوی راه حل این مسأله از لحاظ پزشکی و بخصوص از لحاظ پرورشی که هدف اساسی تحقیق ما است رفتار بزرگسالان در قبال دروغگوئی کودک و ضمن بررسیهای ما بعنوان پیش‌درآمد لازمی موضوع بحث خواهد بود.

کسانیکه هنوز با این گونه افکار الفتی نیافته‌اند در صورت مطالعه‌ی این مقاله چه بسا درباره خودشان و درباره‌ی

## کوچکترین عضو کتابخانه

● ابراهیم حسینی کوچکترین عضو کتابخانه‌ی شماره‌ی ۲ شیراز است. او در بهمن ماه ۱۳۴۹ بدنیا آمده و هم‌اکنون شش ساله و فرزند اول خانواده است. پدر او معلم است. از چهارسالگی خواندن را آموخته. صبحها، اغلب در کتابخانه به خواندن کتاب مشغول است. در خانه به نقاشی، نوشتن، حل کردن جدول مجلات کودکانه، می‌پردازد. به توپ بازی خیلی علاقه دارد. در آشنایی با دیگران خیلی سختگیر و جدی است و می‌کوشد با بزرگترها بیشتر آشنا



## اشاره

تجربه رویدادهای پرسنلی را - همچنانکه روال گذشته ما بود، ادامه میدهیم و از دوستانی که ما را در این کار یاری داده‌اند تشکر می‌کنیم به امید آنکه با ادامه این همکاری در کارمان کاستی کمتری مشاهده شود.

## ازدواج

از آنجا که بنیاد جامعه بر خانواده استوار است، تشکیل خانواده دوستان نوجوان و داماد را قدر دانسته و آرزوی سعادت و سلامتشان را داریم.

- ۱- خانم فاطمه شاکرین کتابدار کتابخانه شماره ۱۳ تهران
- ۲- خانم فاطمه نایب‌زاده کتابدار کتابخانه بندر پهلوی
- ۳- خانم زهرا محمدعلی‌پور کارمند قسمت تدارکات
- ۴- خانم زهرا محمدزاده ثانی شیرین کتابدار کتابخانه شیروان
- ۵- آقای علی‌جعفر بیگلو کارگر امور خدمات مهندسی
- ۶- خانم قاسمی، کارمند روابط عمومی

## تولد

تولد نورسیدگان دوستان همکاران را به فال نیک می‌گیریم و تولدشان را تبریک می‌گوئیم:

- ۱- خانم سکینه نصیری کتابدار کتابخانه شماره ۸ تهران
- ۲- خانم خدیجه بی‌برگ شیراز کتابدار کتابخانه شماره ۳ شیراز
- ۳- خانم مریم شهریاری کتابدار کتابخانه شماره ۶ تهران
- ۴- آقای محمد طاهری کارگر مرکز هنرهای تجسمی
- ۵- آقای حجت آهنی کارگر قسمت تدارکات
- ۶- آقای گل‌آقا کرمان خدمتگزار خدمات اداری
- ۷- آقای محمد اسماعیل سنگسری خدمتگزار کتابخانه فیروزکوه
- ۸- آقای غلامحسین فرخی‌پور خدمتگزار کتابخانه کرمان
- ۹- آقای نادر قمیاری راننده قسمت نقلیه
- ۱۰- آقای احمد خلیلی‌نیا خدمتگزار قسمت خدمات اداری
- ۱۱- آقای تقی داودی‌پسند کارگر قسمت تدارکات
- ۱۲- آقای ابراهیم سرامی فروشانی خدمتگزار کتابخانه همایونشهر
- ۱۳- آقای عبدالرحمان سیف‌اللهی خدمتگزار کتابخانه کوهبنان
- ۱۴- آقای کریم‌الله غریب شبستری سرایدار انبار شماره ۲
- ۱۵- آقای محمد حقیقی صدابردار امور سینمایی
- ۱۶- خانم منیژه صبا، کارمند امور انتشارات

## معرفی همکاران جدید

در ماههای گذشته دوستان زیر همکاری خود را با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کردند. امیدواریم که شاهد توفیق همیشگی آنان باشیم.

- ۱- خانم منیژه صبا کارمند امور انتشارات
- ۲- خانم شیرین معلمی ماشین‌نویس اداره تشکیلات و روشها
- ۳- خانم کبری اعتدالی ماشین‌نویس امور خدمات مهندسی
- ۴- خانم فرزانه گرامیان کارمند مرکز کنترل و سفارشات
- ۵- خانم معصومه زائر تلفنچی قسمت خدمات اداری
- ۶- خانم پوران اسلام‌دوست کارمند امور آموزش
- ۷- خانم فاطمه حاج فتحعلیان کارمند قسمت تدارکات
- ۸- آقای بیژن نعمتی شریفی کارمند مرکز ثناتر
- ۹- آقای عبدالمجید هومن کارمند قسمت فیلم استریپ
- ۱۰- آقای احمد ساراز کارمند اداره پرسنل
- ۱۱- آقای فریدون رحیمی کارشناس امور کتابخانه‌های شهرستان
- ۱۲- آقای حسین حسینیان کارمند امور مالی خدمات مهندسی

- ۱۳- آقای حبیب حدادی متصدی تدارکات روستا
- ۱۴- آقای مرتضی داوری پژوهشگر امور آموزش
- ۱۵- آقای علیرضا رازی رئیس اداره تشکیلات و روشها
- ۱۶- آقای فیض‌الله کرمی انباردار امور خدمات مهندسی
- ۱۷- آقای گل‌علی امین‌پور زندق کارمند اداره پرسنل
- ۱۸- آقای رسول کاظمی مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۱۹- آقای اسماعیل فصیحیانی کارمند مالی دفتر سرپرستی منطقه فارس و بوشهر
- ۲۰- آقای سید محمدحسینی صنایع مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۲۱- آقای محمدعلی سبزعلیات مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۲۲- آقای محمدعلی میاندار مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۲۳- آقای کیوان ممتاز مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۲۴- آقای حسن حاج‌عباس فرشچی مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۲۵- آقای منصور نعیمی مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی
- ۲۶- آقای مرتضی شاقلی مربی فیلمسازی مرکز آموزش فیلمسازی



- ۲۷- خانم مریم دایی‌علیزاده کتابدار کتابخانه شماره ۵ تهران
- ۲۸- خانم مینو فرهدی کتابدار کتابخانه شماره ۲۴ تهران
- ۲۹- خانم معصومه جعفری کتابدار کتابخانه شماره ۲۴ تهران
- ۳۰- خانم هما آیت‌الله عقاری کتابدار کتابخانه شماره ۵ تهران
- ۳۱- آقای یوسف احمدی مربی مرکز موسیقی
- ۳۲- خانم مهری افشانگل مربی مرکز تئاتر
- ۳۳- آقای داود غلامحسین مربی مرکز تئاتر
- ۳۴- آقای قدرت‌الله دلاوری مربی مرکز تئاتر
- ۳۵- آقای حسین خلیج‌امیرحسینی مربی مرکز تئاتر
- ۳۶- آقای محمدحسین نصرآبادی مربی مرکز تئاتر
- ۳۷- آقای عبدالنبی سلامی مربی مرکز تئاتر
- ۳۸- آقای محمدرضا خاکی مربی مرکز تئاتر
- ۳۹- آقای حمیدرضا عبدالملکی مربی مرکز تئاتر
- ۴۰- آقای کاظم نجه‌الفقهایی مربی مرکز نقاشی
- ۴۱- آقای عارف حامدی مربی مرکز نقاشی
- ۴۲- آقای جواد فیروزمند مربی مرکز تئاتر
- ۴۳- خانم بی‌بی‌گل شنجش مربی سوزنکاری
- ۴۴- خانم زهرا صادقی جنب‌آبادی کتابدار کتابخانه رفسنجان
- ۴۵- خانم صدیقه باقری ارومی کتابدار کتابخانه آستارا
- ۴۶- خانم فاطمه مرادیان کتابدار کتابخانه همدان
- ۴۷- خانم اشرف محمدی قلعه سفیدی کتابدار کتابخانه نجف‌آباد
- ۴۸- خانم طوبی وثوقی کتابدار کتابخانه دامغان
- ۴۹- خانم زهرا قوامی کتابدار کتابخانه بجنورد
- ۵۰- خانم آسیه کمالی تاری کتابدار کتابخانه بابل
- ۵۱- خانم شهناز اوراضی‌زاده کتابدار کتابخانه مسجدسلیمان
- ۵۲- خانم پروین درگاه‌زاده کتابدار کتابخانه فسا
- ۵۳- خانم خدیجه مرادیان کتابدار کتابخانه همدان
- ۵۴- خانم سکینه خرازی نوجویی کتابدار کتابخانه کرمانشاه
- ۵۵- خانم منیژه دهخدا کتابدار کتابخانه اصفهان
- ۵۶- خانم فوزیه یاوری کتابدار کتابخانه بروجرد
- ۵۷- خانم ملیحه عبدی کتابدار کتابخانه شاهی
- ۵۸- خانم شهربانو حق‌گر کتابدار کتابخانه آلاشت
- ۵۹- خانم پوران‌دخت نبی‌زمانی کتابدار کتابخانه لارستان
- ۶۰- خانم ام‌النساء زمانی کتابدار کتابخانه جوپار
- ۶۱- خانم صغرا نوروزی کتابدار کتابخانه اهواز
- ۶۲- خانم ناهید کائیدی کتابدار کتابخانه اهواز
- ۶۳- خانم طوبی رشیدیان کتابدار کتابخانه سنندج
- ۶۴- خانم انیس سامی کتابدار کتابخانه بجنورد
- ۶۵- خانم صدیقه معینی کتابدار کتابخانه مشهد
- ۶۶- خانم فرنگیس خانعلی‌زاده کتابدار کتابخانه مسجدسلیمان

- ۶۷- خانم سکینه کلهری کتابدار کتابخانه ملایر
- ۶۸- خانم فریده ملکی کتابدار کتابخانه اردبیل
- ۶۹- خانم معصومه اصغری کتابدار کتابخانه سمنان
- ۷۰- خانم ایراندخت راکی کتابدار کتابخانه مسجدسلیمان
- ۷۱- خانم فریده باحجب‌نوظهوریان کتابدار کتابخانه اصفهان
- ۷۲- خانم مینا رویگریان کتابدار کتابخانه ساری
- ۷۳- خانم شهناز ژولیده‌زاده کتابدار کتابخانه شیراز
- ۷۴- خانم اقدس کلاتر کتابدار کتابخانه زاهدان
- ۷۵- خانم مهوش فلاح کتابدار کتابخانه شاهی
- ۷۶- خانم مهری باغبان‌نصیر کتابدار کتابخانه اصفهان
- ۷۷- خانم زهره عصیانی کتابدار کتابخانه اصفهان
- ۷۸- خانم شهلا فنجزی کتابدار کتابخانه شیراز
- ۷۹- خانم نوشین مشکین کتابدار کتابخانه بجنورد
- ۸۰- خانم سهیلا مقیمی کتابدار کتابخانه شاهی
- ۸۱- خانم محترم رستمی کتابدار کتابخانه نجف‌آباد
- ۸۲- خانم زینت نیکپور کتابدار کتابخانه لشت‌نشاء
- ۸۳- خانم شوکت بندخت کتابدار کتابخانه سمنان
- ۸۴- خانم زهره نصیری کتابدار کتابخانه بم
- ۸۵- خانم کتایون جان‌قربانی کتابدار کتابخانه اصفهان
- ۸۶- آقای عباس جعفری راننده قسمت نقلیه
- ۸۷- آقای غفار صفری راننده قسمت نقلیه
- ۸۸- آقای حسن عبادی راننده قسمت نقلیه
- ۸۹- آقای حسن صابری راننده قسمت نقلیه
- ۹۰- آقای محمدمبار زمانی خدمتگزار کتابخانه شاهی
- ۹۱- آقای حسین ولی‌محمدآبادی خدمتگزار کتابخانه اصفهان
- ۹۲- آقای عبدالله آسوده خدمتگزار کتابخانه سمیرم
- ۹۳- آقای علیرضا اطرش خدمتگزار کتابخانه شهرضا
- ۹۴- آقای عبدالرسول اسلامی خدمتگزار کتابخانه بندرعباس
- ۹۵- آقای غلامحسین طوفان خدمتگزار کتابخانه رودبار
- ۹۶- آقای حسن نظری خدمتگزار قسمت خدمات اداری
- ۹۷- آقای عزیزالله اسدپور خدمتگزار قسمت خدمات اداری
- ۹۸- آقای مهدی خرمی خدمتگزار قسمت خدمات اداری
- ۹۹- آقای رمضان جانی‌محمدی خدمتگزار امور کتابخانه‌های تهران
- ۱۰۰- خانم نیره قلی‌تهرانی خدمتگزار قسمت خدمات اداری

#### نقل و انتقالات

- همکاران زیر به محلهای جدید منتقل شدند. امید که مثل گذشته در انجام وظایف محوله موفق باشند.
- ۱- آقای ابوطالب خردجو خدمتگزار کتابخانه اصفهان قسمت کتابخانه‌های تهران



# نامه به کارنامه

پاسخی به همکار

آقای سردبیر

در پاسخ همکاران آقای مهدی اسفندیار فرد که مسائلی را در مورد استخدام قراردادی و ثابت در کانون عنوان کرده‌اند، نکاتی چند لازم به یادآوری است تا ایشان و هم سایر همکاران که مسائل و مشکلات اداری خود را مطرح می‌کنند و بی‌توجه به مقررات و آئیننامه‌های کانون تنها به قاضی می‌روند و بیگمان خوشحال هم برمیگردند، از حقیقت مسائل و مشکلات آگاه شوند.

۱- ایشان نوشته‌اند، چرا دوفرد که همزمان در کانون استخدام شده‌اند، یکی بصورت ثابت و دیگری قراردادی درآمده‌اند؟! دلیل این خیلی روشن است (و شاید خودشان هم بدانند) اداره‌ی پرسنل وقتی ناگزیر به استخدام فردی باشد و این فرد واجد شرایط استخدامی ثابت نباشد، ناچار بصورت پیمانی (قراردادی تمام وقت) استخدام مینماید. و یا اینکه ممکن است پست ثابت سازمانی نداشته باشد، ناچار قراردادی به استخدام کانون در می‌آید تا بعداً، پس از رفع اشکالات یاد شده، بصورت کارمند ثابت درآید.

بنابراین ملاحظه می‌فرمائید، تعمداً یا نظر خاصی نیست، بلکه رعایت مقررات و ضوابط کانون است.

۲- در مورد تفاوت مزایا و مرخصی کارمند قراردادی و ثابت اشاره کرده و پرسیده‌اند چرا کارمند قراردادی فقط از ۲۴ روز مرخصی استعلاجی میتواند استفاده کند، ولی ثابت از چهارماه؟! جواب ما به آقای اسفندیار فرد اینست که در هیچ سازمان دولتی و نیمه دولتی مزایا و ضوابط یک کارمند پیمانی یا قراردادی با مزایا و ضوابط کارمند ثابت یکسان نیست. دلیل اینهم آنست که امکان و شرایط قطع رابطه کارمند قراردادی با مؤسسه‌ی متبوعش خیلی بیشتر و ساده‌تر است تا کارمند ثابت و اصولاً باید هم اینگونه تفاوت‌ها باشد، ضمناً فراموش نکنیم که کانون نمیتواند از مقررات و قوانین دولتی بدور و مستثنی باشد.

۳- و اما برای اینکه خیال آقای اسفندیار فرد و سایر همکاران پیمانی ما راحت باشد اینرا هم لازم است اضافه کنیم که آئین‌نامه خاصی در مورد تبدیل کارکنان پیمانی به ثابت توسط اداره‌ی پرسنل تهیه و تنظیم گردید و به تصویب مدیریت محترم عامل رسید و اداره‌ی پرسنل مشغول بررسی وضع کارکنان پیمانی است تا برطبق ضوابط این آئین‌نامه تبدیل به ثابت شوند و احکام مربوط صادر شود.

خدا کند همه‌ی مشکلات آقای اسفندیار فرد و سایر همکاران، از این قبیل باشد که بسادگی قابل بررسی و رفع شدن است.

اداره پرسنل

آقای سردبیر

در مورد مندرجات نامه اداره پرسنل نکاتی را لازم به توضیح میدانم که خواهشمند است نسبت به درج آن در ماهنامه اقدام فرمائید:

قبلاً ضرورت اشاره به نکته‌ای اساسی را لازم میدانم. قصد اینجانب نگارش نامه شکوائیه و انتقاد بدون پشتوانه از اداره پرسنل و در نتیجه برخورد و تصادم آراء و عقاید در مورد نحوه کار مسئولان محترم پرسنل نبوده است که این کاری است نه در حیطه وظیفه و اختیارات اینجانب، که در عداد وظایف اداری کانون. نظر من تنها اشاره کوتاهی بود به خلل‌ها و به کاستی‌های گذشته که موارد کنونی را ضرور به توضیح نموده است و چون بنظر میرسد که در ارزیابی نامه حقیر اندکی شتابزدگی بکار رفته است در خصوص برخی وجواب مندرج در نامه جوابیه پرسنل اشاراتی را لازم میدانم:

در نامه اداره پرسنل میخوانیم که «اداره پرسنل وقتی ناگزیر به استخدام فردی باشد و این فرد واجد شرایط استخدامی ثابت نباشد... یعنی چه؟ زمانی که اینجانب به استخدام کانون پذیرفته شدم واجد همه‌گونه شرایط بوده‌ام و بودند کسانی که در مدت زمان محدودی پس از من با همان شرایط به استخدام همان امور یعنی «پژوهش» درآمدند و حکم کارمند رسمی دریافت کردند. این‌ها نکته... و اما نکته دیگری که توجه‌بان ضروری است. اشاره اداره پرسنل است به یکسان بودن قوانین و ضوابط کانون با ادارات دولتی و نیمه دولتی دیگر که نمی‌توان از دایره این مقررات پا فراتر نهاد، جواب اینست:

— در ادارات دولتی و نیمه دولتی، کارمند قراردادی را، درست بجهت محروم بودن از مزایای یک کارمند رسمی، با حقوقی به مراتب بیشتر از حقوق کارمند رسمی استخدام می‌کنند. از اینجا رانده و از آنجا مانده که نمی‌شود، یا باید رسمی بود و یا محروم بودن از رسمی شدن را با مزایای دیگر جبران کرد. من و بسیاری چون من با حقوقی معادل یک کارمند رسمی استخدام شده‌ایم، بدون داشتن امتیازی که کمبودهای دیگر را جبران کند. اینجا مطلب را داشته باشیم تا عرض کنم که هیچ توضیحی اگرچه نیز صادقانه، بی‌طرفانه و صریح باشد نخواهد توانست ضرر و زیانی را که از بدو استخدام ناچار به تحمل آن بوده‌ایم جبران کند. کسر حقوق اینجانب بعلت بیماری با هیچ معیار و ضابطه‌ای قابل توضیح نیست. در جایی که در کادر استخدام کشوری برای رفاه کارمند مقررات و آئین‌نامه‌های متقن و مستدلی وضع می‌شود، چگونه می‌توان کسر حقوق حقه را به بهانه بیماری توجیه کرد؟

با احترام مهدی اسفندیار فرد



## شهر من



دهی خاک آلود  
برکنار  
شهر کی زیبا  
گرد و خاکش  
همچو  
عطری خوشبو  
به هزار  
خاک دگر  
می‌ارزد.

«شهر من  
رهنان است»

برجی از دور

پیر و فرسوده

داد غوکان

برسر رود

سبزه‌ها

سبز،

آسیابان

همچو ابری

برکنار هور و دریا

چهره‌اش

شاداب و خندان.

این ده خاک آلود،

سبزه‌هایش،

آسیابان،

داد غوکان

همه

از شهر من است

«شهر من

رهنان است»

جبر جبرك

بر کلاه شب

قصه‌ای شیرین

می‌سراید

به هنگام

سحر

بانگ و آوای

خروس

از فراز خانه‌ای،

می‌خواند:

«شهر من

رهنان است»

## کوهسار

من کوهسارم: قدم لرزان از آن باد وزان،  
سینه‌ام سفید به رنگ مهتاب، بر آب.  
دامنم سرسبز ...  
پای من جاری است، رود سرکش:  
جای آسودن ماهیان و جانوران،  
دامنم کشتگاه آدمیان،  
ای دوست باشیم همچو این کوه که میرساند سوده‌های  
بسیار به مردمان .

امین پور

## عشق من:

عشق من همیشه دامن است، نزدیکم آرمیده است،  
معبودم هیچگاه مرا تنها نمیگذارد، باینهمه، همیشه از  
دوریش رنج می‌برم و از این رنج، در شادی و شغفم، همیشه  
شادم و هرگز اندوه بددل راه نمی‌دهم، دستم به دامان معشوق  
نمیرسد، اما در همه حال در کنار او هستم، او همه‌جا بامن  
است و لحظه‌ای ترکم نمی‌کند. صدای جان پرورش را به  
گوش می‌شنوم، هرچند نمیتوانم چهره‌اش را ببینم، دل من  
خانه‌ی اوست، اما از دوریش رنج می‌برم و در آتش مهرش  
می‌سوزم و از این رنج به‌جان می‌آیم!  
من عاشقم: عاشق زیبایی، شیفته‌ی آنم که زیبايان همه  
از اویند، به داشتن معبودی اینچنین، فخرها می‌کنم، عشق  
من، خدای من است!

معصومه زائر

## آموختم

آموختم که باید بود  
آموختم که زندگی بیهوده نیست  
آموختم که زندگی را باید نیایش کرد  
بودن را از گل کوچک باغ آموختم  
زمانی آموختم که زمستان بود  
که برف به تنه‌ی گلهای طبیعت جامه سفید پوشیده بود.  
گلی با همه کوچکی  
سراز برف‌ها در آورده بود  
و مقام زیبایش را نشان میداد

شهلا حیدری

از کتابخانه شماره ۳

محمدجعفر عابدی

کتابخانه کودک رهنان



## پاسخ به نامه‌های مربیان مرکز آموزش هنرهای تجسمی

می‌تواند از يك نوع وسیله به بهترین وجه استفاده کند. مثلاً شکی نیست که يك بچه چهارساله نمی‌تواند با آبرنگ به شکل دلپسندی نقاشی کند زیرا آبرنگ از جمله وسائلی است که احتیاج به فکر، حوصله و مهارت دارد. حال آنکه همین بچه چهار ساله به‌خوبی می‌تواند با استفاده از ماژیک یا مداد رنگی طرح‌های زیبایی بیافریند. بدین ترتیب، باید با در نظر گرفتن سن و میزان مهارت بچه‌ها وسائلی مناسبی در اختیار ایشان قرار داد. کار با ماژیک و مداد رنگی ساده‌تر است، حال آنکه کار با آبرنگ، گواش و رنگ‌روغن مشکل‌تر است. بنابراین مربی باید خود تشخیص دهد که با کدام وسیله بچه می‌تواند بهتر کار کند، و راحت‌تر احساسات خود را بیان نماید. اما در عین حال باید به‌خاطر داشت که معرفی تکنیک‌های مختلف، و امکانات گوناگون هنری چون کلاژ (بریدن و چسباندن وسائلی مختلف)، باتیک (چاپ و نقش‌نگاری بر پارچه) مجسمه‌سازی، و برای (نقاشی روی شیشه) و غیره به بچه‌ها این فرصت را می‌دهد که کارهای متنوع‌تری داشته باشند و در نتیجه به‌ادامه کار مشتاق‌تر شوند.

ثانیاً - فعلاً برای ما مقدور نیست که به‌طور جداگانه کتاب برایتان ارسال داریم، اما در حال حاضر در صدد انتشار نشریه‌ای هستیم که قطعاً به‌برخی نیازهای شما در این زمینه پاسخ خواهد گفت. با آرزوی موفقیت برایتان.

یازدهمین سالگرد تأسیس کانون پرورش  
مربی کودکان و نوجوانان را به شما نوی  
عزیز تبریک می‌گوییم

فرزاد  
اعضاء  
مربیان  
کانون

تایپخانه کردک شماره ۲ آملان  
کرده چاپ کلاس نقاشی

مربی عزیز کتابخانه کودک شماره ۲ آبادان، کارت‌های تبریک بسیار زیبای شما که به مناسبت یازدهمین سالگرد تأسیس کانون فرستاده بودید رسید. ابتکار و ذوق شما در چاپ این کارت‌ها، ما را واداشت تا آن‌ها را در این شماره کارنامه به‌چاپ رسانیم. ضمن تشکر از محبت شما برایتان آرزوی موفقیت داریم.

\*\*\*

از مربیان عزیز کتابخانه‌های کودک خرمشهر شماره ۲، رضاییه شماره ۲۰۱، شاهرود، اردبیل، آبادان شماره ۱، بابل، شاهی، سنندج یزد و لاهیجان به‌خاطر ارسال کارهایی برای شرکت در نمایشگاه نیویورک تشکر می‌نمائیم.

\*\*\*

دوست عزیز آقای صادق محرمی یزدی - مربی نقاشی کتابخانه یزد

نامه شما بدست ما رسید، در مورد جزئیات مربوط به کارت‌ان نامه‌ای فرستاده‌ایم. اما در رابطه با سئوالاتی که کرده بودید:

اولاً - به‌نظر ما هیچ قانون مطلق در استفاده از وسائلی کار وجود ندارد. اما باید توجه داشت که در هر سنی کودک بر حسب مهارت و تکامل قدرت جسمانی و عقلانی‌اش





# مرد و برگ دانا

تکیه‌اش را داد به درخت و صدا زد: قهوه‌چی یک چای برای من بیاور چند لحظه بعد کسی که به نظرش خود قهوه‌چی بود با یک استکان و چندتا قند به طرف مرد آمد او چای را گرفت و داشت می‌خورد که صدائی شنید دید کنارش برگی افتاد؟ برگ به او گفت دوست داری سرنوشت مرا بشنوی مرد گفت بله! برگ گفت:

بهار بود ماهمه برگها سبز شدیم ماهها گذشت تاروژی باد شدیدی شروع به وزیدن کرد خیلی از ما را کند و به زمین زد تا روزی که جز من برگی در روی درخت نمانده بود ولی باد می‌وزید و من استقامت می‌کردم تا روزی که باد دید که من از جا کنده نمی‌شوم رفت. میدانی چرا رفت؟ برای اینکه مقاومت مرا در مقابل خود دید و سرانجام ناامید شد و رفت. من همه‌اش در این فکر بودم که چرا باد نمی‌گذارد ما بمانیم. مدتی گذشت تا روزی دانه‌های سفیدی از آسمان بارید و هوا سرد شد حتی کبوتران هم به لانه‌هایشان رفتند ولی من استقامت می‌کردم من در جایی از درخت بودم که همه جا را خوب می‌دیدم کسانی را میدیدم که از سرما می‌لرزیدند و کسانی را میدیدم که از گرما لای در را باز گذاشته بودند و فکر کردم که چرا باد نمی‌گذشت ما بمانیم. مدتها گذشت تا روزی دانه‌های سفید آب شدند و دوباره درختها سبز شدند و برگهای تازه‌ای درآمدند و من استقامت نمودم در برابر باد و سرما برای آنها بازگو کردم و ناگهان به آرامی ناز در کنار این تخت که تو رویش نشسته‌ای افتادم!

رضا جباری کتابخانه کودک همدان

یکی بود یکی نبود - زیر این تاق کبود  
زیر تاق کبودی که هر گوشه‌اش آدمهای گوناگون  
نشسته بود. مردی بود که تمام کشورها را می‌گشت و به تمام  
شهرها سر میزد او تمام خوبیها و بدیهای این زمانه را چشیده  
بود و دنبال جایی برای زندگی کردن می‌گشت اما هیچ کدام  
از شهرها را نمی‌پسندید و از آنجا می‌گذشت و می‌رفت  
همینطور که شهرها را یکی پس از دیگری پشت سر می-  
گذاشت. صبح روزی که آفتاب در حال بالا آمدن بود و  
منظره جالبی را درست کرده بود. مرد به دروازه شهری  
رسید داخل شهر شد تمام مردم این شهر در حال جنب و  
جوش بودند عده‌ای بالباسهای اتوزده که به تن کرده بودند  
تند و تند راه می‌رفتند یکی دکانش را باز میکرد و دیگری  
سرگرم فروش اجناسش بود. او کم کم خوب داخل شهر شده  
بود. در پیاده‌رو صدای لبو فروش بگوش میرسید. به قهوه-  
خانه‌ای رسید در کنار قهوه‌خانه ۲ تخت با چوبهای پوسیده  
و فررشکبه قسمتهایی از آن فقط نخ داشت روی تخت افتاده  
بود. داخل قهوه‌خانه حوض کوچکی بود که چندتا ماهی  
قرمز توی آن بود و گاهی هم روی آب می‌آمدند چند  
گلدان دوروبر حوض بود. چند تخت اطراف حوض دیده  
میشد. و از طرفی صدای به هم خوردن استکانها می‌آمد روی  
یکی از تختها چند پیرمرد نشسته بودند و در دست یکی از  
آنها قلیانی بود. جلوی قهوه‌خانه درخت پیبری بود که سبز شده  
بود. مرد آمد و نشست روی تختی که کنار درخت بود و

خبری از فعالیت يك مربی هرگز آموزش هنرهای تجسمی  
در ماه آذر همکار عزیز آقای محمدحسن جواهری-  
مربی نقاشی دامغان و فیروزکوه - يك سفر ده روزه به  
کرمان داشت - سفر پربراری بود که در طی آن کوشید تا  
بچه‌های کرمانی را برانگیزد کارهای زیبایی بیافریند. سفر  
کوتاهی نیز به ماهان داشت که با استقبال کم نظیری از جانب

## تقدیری از يك نوجوان

آقای اصغر عرفانی، عضو کتابخانه شماره ۶ تهران  
که از نوجوانان فعال کتابخانه‌های تهران می‌باشد از سوی  
وزارت فرهنگ و هنر مورد تشویق قرار گرفتند.  
جایزه نامبرده که تمثال رنگی شاهنشاه آریامهر درقاب  
خاتم ویک سکه نیم پهلوی بود طی مراسمی توسط خانم  
گالستان مسئول کتابخانه به نامبرده اهداء گردید.  
در مراسم هفته کتاب وزارت فرهنگ و هنر جوایز  
ارزنده دیگری نیز به اعضاء کتابخانه‌های کانون اهداء کرد.  
از توجه وزارت فرهنگ و هنر به کودکان و نوجوانان  
عضو کتابخانه‌های کانون سپاسگزاریم.

## کارنامه

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

اخبار داخلی

شماره‌ی ۱۰ (دوره‌ی هشتم) دی‌ماه ۱۳۵۴

چاپخانه‌ی سکه تلفن ۳۱۳۹۳۴

گراور از: پاسارگاد تلفن ۳۱۱۷۱۸



# کتاب‌های تازه‌ی کانون :

## خورشید چرا می‌درخشد؟



نوشته‌ی ایژاک آسیموف . ترجمه‌ی فائزه‌ی اعیان

آنها زنده‌اند... زندگی‌نامه‌ی زیب (ع)



## اگر جانوران صورتهای رنگی داشتند

نیکرادنجومی . ناهیدحقیقت



کی از همه پر زورتره؟

بازنشینی م. آزاده  
نقاشی از نیکرادنجومی



از میان کتاب‌هایی که اخیراً سازمان انتشارات کانون منتشر کرده است، این کتاب‌ها را برای معرفی در این شماره انتخاب کرده‌ایم:

آنها زنده‌اند... زندگی‌نامه‌ی حضرت زینب (ع)، نوشته‌ی غلامرضا امامی، نقش و تذهیب از علی‌اکبر صادقی (به صفحه‌ی ۳ کارنامه‌ی این شماره نگاه کنید).

کی از همه پر زورتره؟، باز نوشته‌ی م. آزاده، نقاشی از نیکرادنجومی:

م. آزاده، شاعر معاصر که پیش از این کتاب‌های قصه‌ی طوقی، عمو نوروز، سی‌مرغ و سیم‌رخ، زال و رودابه و تولد رستم را برای کودکان و نوجوانان از او خوانده‌ایم. این بار یک قصه‌ی قدیمی و زیبای ایرانی را برای کودکان باز نویسی کرده است.

اگر جانوران صورتهای رنگی داشتند، طرح از نیکرادنجومی و ناهیدحقیقت.  
کتابی است بدون نوشته، برای کودکان پیش از دبستان که نام آن خود گویاست.  
خورشید چرا می‌درخشد؟

نوشته‌ی ایژاک آسیموف، ترجمه‌ی فائزه‌ی اعیان:

کتابیست علمی، به زبان ساده که با روشنی تمام از پیدایش خورشید و گرمای آن گفت‌وگو می‌کند.